

المپیک: جشن دوستی ملتها یا سوداگری؟

در صفحه ۱۲

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۷۱ - ۵ آوت ۱۹۹۲ - دوره سوم - شماره ۴۵۵

KAR, No. 40 Wednesday 5 Aug 1992

رئیس قوه قضائیه:
باسازمانهای
بین المللی

هماشات نمی‌کنیم!

بدنبال محاکمه مجدد جمهوری اسلامی به خاطر پایمال ساختن حقوق انسانی در ایران توسط سازمان غافی بین الملل، آستانه الله یزدی رئیس قوه قضائیه باردارگر بر اجرای احکام اسلامی تاکید نمود و خطا را از معاشران خارج کرد. حزب‌الله خمینی و شعارهای جمهوری اسلامی را بر دیوارها حک کردند، از سوی دیگر تشکیل کشت‌های مختلف از جانب ارگانهای انتظامی اعلام گردید. رحمانی رئیس عقیدتی سیاسی نیروهای انتظامی گفت: "در راستی تحقیق فرایین اخیر مقام معظم رهبری برای امریه معروف و نهی از منکر از سیجیان و ایت‌حرب است. یزدی که در تالار دادگستری شهر همدان سخن می‌گفت خاطرنشان کرد: "مسئولین اجرایی باید به دقت هراحت باشد که افعال و کردارشان بر اساس معیارهای اسلامی باشد خواه عملکرد آنان مورد پسند و مقبول سازمان‌های بین المللی واقع شود و فرق است بین تدبیر و عقل اجتماعی و جلب رضایت و تایید این‌گونه سازمان‌ها".

یزدی از کسانی که می‌کوشند سازمان‌های بین المللی "هماشات" کنند و از اجرای پاره‌ای از احکام "استنکاف" می‌ورزند، اتفاق نکرد و گفت: ادامه در صفحه ۳

وزارت کشور برای تحقیق "امربه معروف و نهی از منکر" را اعلام کرد. حزب‌الله خمینی راه افتاده دیگر هکس خمینی و شعارهای جمهوری اسلامی را بر دیوارها حک کردند، از سوی دیگر تشکیل کشت‌های مختلف از جانب ارگانهای انتظامی اعلام گردید. رحمانی رئیس عقیدتی سیاسی نیروهای انتظامی گفت: "در راستی تحقیق فرایین اخیر مقام معظم رهبری برای امریه معروف و نهی از منکر از سیجیان و ایت‌حرب است. یزدی که در تالار دادگستری شهر همدان سخن می‌گفت خاطرنشان کرد: "مسئولین اجرایی باید به دقت هراحت باشد که افعال و کردارشان بر اساس معیارهای اسلامی باشد خواه عملکرد آنان مورد پسند و مقبول سازمان‌های بین المللی واقع شود و فرق است بین تدبیر و عقل اجتماعی و جلب رضایت و تایید این‌گونه سازمان‌ها".

یزدی از کسانی که می‌کوشند سازمان‌های بین المللی "هماشات" کنند و از اجرای پاره‌ای از احکام "استنکاف" می‌ورزند، اتفاق نکرد و گفت: ادامه در صفحه ۳

تکلیف و آرمانهای عیی به فکر هجمات شخصی افتادیم و جوان سخنان خامنه‌ای راه افتاده همچنان ادامه دارد، خامنه‌ای از ازواجاً قرار دادیم و افراد و قیح، دیدار با نیروهای مقاومت بسیج سخنرانی شدید‌الحننی ایجاد کرد، او در این سخنرانی مردم را به عبرت گیری از حادث عاشورا فراخواند و گفت: "هریت گیری از عاشورا این است نکاریم روح انقلاب و فرزندان انقلاب در جامعه منزوی بشوند". بخشی از سخنرانی پیش از این سخنرانی بسیجیان و هم‌مسؤلیت اعتراضی مردم به شورش فراز و تازلیهای افتاده در جان حکومتی ها با احسان استحکام حکومت جملگی به این نتیجه رسیدند که باید نیروهای مسلح را به صحنه بکشند و به مرابت بگمارند تا حرکات اعتراضی باشد تهدید و شورش مشهد، حرفی که حکومتگران را تگران و هراسان کرد، بیش از چند ساعت نگذشته بود. سران حکومت جملگی به این نتیجه رسیدند که باید نیروهای مسلح را به صحنه بکشند و به مرابت بگمارند تا حرکات اعتراضی باشد، از این نظر، سخنان خامنه‌ای در دوازدهم محروم، رسیت بخشیدن و عمومیت دادن به سیاست زور و سرکوب بود، که در پی عصیان مشهد با تلاف هموم دست اندراکاران حکومت در پیش گرفته شد. هشدار خامنه‌ای به پیامدهای از "عیت" گیری از درس‌های عاشورا، اقرار صریح او به محاکراتی که نظام با اتحاد و بروست و اخطرار وی به حضور تبروی قصر در صحنه، قبل از همه در این رابطه معنی پیدا می‌کند.

اما، گرایش و جریانی که خامنه‌ای راسخ‌نمود رسمی خود را تباشد، تعریف از بکسال پیش‌آغاز شده علیه رویدهای تازه پای روش اندیشه و واقع بینی در کشور بطور کلی و مشخصتر در بخش‌های معینی از حکومت سرعت پیشند، همانار و حائز سنتی است. نایاندگان و سختگویان این بیو و مدتهاست که علیه توقيت و وزن نیروهای متخصص و تکنیکرایان در ارگان‌های دولتی، تضعیف مقررات دشمن و پر خاش‌گشوده‌اندو با توسل به چماق و ترسک به اتواع توظیه‌ها به نتایجی بسیار سیده‌اند، بالنهم، در طول این‌مدت، این نیرو توادع بازی در ائتلاف حاکم را مرعی میداشت و هم‌اصطب خود را متوجه به عقب راندن و حذف نیروهای "خطدام" از ارگانها و مواضع حساس قدرت در رژیم میکرد. اما پس از پیروزی ائتلاف حاکم در جنگ با "خطدام‌ام" های سر قبضه مجلس چارم که در پی حذف کامل اینها از مجلس خبرگان دومن دستاوردهم سیاسی ائتلاف حاکم محسوب می‌شود - تبروی روحانیت سنتی و رسانیتی ها در مبارزه برای قبیله دادن تمایلات و گرایش‌های خود در ائتلاف حاکم خیر بیشتری برداشتند و به این منظور انتقاد از آن سیاست‌های دولت رفسنجانی که بد رجایت تمایل اسلامی، روزنامه‌های تهران، در روز ۲۲ تیر متن استغفارنامه ویرانی که خطاب به رئیس جمهور نوشته شده است، منتشر کردند. از این‌نحوه استغفارنامه خاتمی از خدمایت از سخنرانی فرهنگی، یک شیخون قتل عام فرهنگی است، "او برابر "حفظ نظام" بسیجی‌ها را فراز دشمن هی کنند نه تنها یک تهاجم بگیرد، کاری که از لاحاظ فرهنگی دشمن هی کنند نه تنها یک تهاجم بیاندگان و سختگویان این بیو و مدتهاست که علیه توقيت و وزن فقهی و تتعديل در مشی سرکوب فرهنگ و فکر غیر حکومتی، زیان به دشمن و پر خاش‌گشوده‌اندو با توسل به چماق و ترسک به اتواع توظیه‌ها به نتایجی بسیار سیده‌اند، بالنهم، در طول این‌مدت، این نیرو توادع بازی در ائتلاف حاکم را مرعی میداشت و هم‌اصطب خود را متوجه به عقب راندن و حذف نیروهای "خطدام" از ارگانها و مواضع حساس قدرت در رژیم میکرد. اما پس از پیروزی ائتلاف حاکم در جنگ با "خطدام‌ام" های سر قبضه مجلس چارم که در پی حذف کامل اینها از مجلس خبرگان دومن دستاوردهم سیاسی ائتلاف حاکم محسوب می‌شود - تبروی روحانیت سنتی و رسانیتی ها در مبارزه برای قبیله دادن تمایلات و گرایش‌های خود در ائتلاف حاکم خیر بیشتری برداشتند و به این منظور انتقاد از آن سیاست‌های دولت رفسنجانی که بد رجایت تمایل اسلامی، روزنامه‌های تهران، در روز ۲۲ تیر متن استغفارنامه ویرانی که خطاب به رئیس جمهور نوشته شده است، منتشر کردند. از این‌نحوه استغفارنامه خاتمی از خدمایت از سخنرانی فرهنگی، یک شیخون قتل عام فرهنگی است، "او برابر "حفظ نظام" بسیجی‌ها را فراز دشمن هی کنند نه تنها یک تهاجم بگیرد، کاری که از لاحاظ فرهنگی دشمن هی کنند نه تنها یک تهاجم بیاندگان و سختگویان این بیو و مدتهاست که علیه توقيت و وزن فقهی و تتعديل در مشی سرکوب فرهنگ و فکر غیر حکومتی، زیان به دشمن و پر خاش‌گشوده‌اندو با توسل به چماق و ترسک به اتواع توظیه‌ها به نتایجی بسیار سیده‌اند، بالنهم، در طول این‌مدت، این نیرو توادع بازی در ائتلاف حاکم را مرعی میداشت و هم‌اصطب خود را متوجه به عقب راندن و حذف نیروهای "خطدام" از ارگانها و مواضع حساس قدرت در رژیم میکرد. اما پس از پیروزی ائتلاف حاکم در جنگ با "خطدام‌ام" های سر قبضه مجلس چارم که در پی حذف کامل اینها از مجلس خبرگان دومن دستاوردهم سیاسی ائتلاف حاکم محسوب می‌شود - تبروی روحانیت سنتی و رسانیتی ها در مبارزه برای قبیله دادن تمایلات و گرایش‌های خود در ائتلاف حاکم خیر بیشتری برداشتند و به این منظور انتقاد از آن سیاست‌های دولت رفسنجانی که بد رجایت تمایل اسلامی، روزنامه‌های تهران، در روز ۲۲ تیر متن استغفارنامه ویرانی که خطاب به رئیس جمهور نوشته شده است، منتشر کردند. از این‌نحوه استغفارنامه خاتمی از خدمایت از سخنرانی فرهنگی، یک شیخون قتل عام فرهنگی است، "او برابر "حفظ نظام" بسیجی‌ها را فراز دشمن هی کنند نه تنها یک تهاجم بگیرد، کاری که از لاحاظ فرهنگی دشمن هی کنند نه تنها یک تهاجم بیاندگان و سختگویان این بیو و مدتهاست که علیه توقيت و وزن فقهی و تتعديل در مشی سرکوب فرهنگ و فکر غیر حکومتی، زیان به دشمن و پر خاش‌گشوده‌اندو با توسل به چماق و ترسک به اتواع توظیه‌ها به نتایجی بسیار سیده‌اند، بالنهم، در طول این‌مدت، این نیرو توادع بازی در ائتلاف حاکم را مرعی میداشت و هم‌اصطب خود را متوجه به عقب راندن و حذف نیروهای "خطدام" از ارگانها و مواضع حساس قدرت در رژیم میکرد. اما پس از پیروزی ائتلاف حاکم در جنگ با "خطدام‌ام" های سر قبضه مجلس چارم که در پی حذف کامل اینها از مجلس خبرگان دومن دستاوردهم سیاسی ائتلاف حاکم محسوب می‌شود - تبروی روحانیت سنتی و رسانیتی ها در مبارزه برای قبیله دادن تمایلات و گرایش‌های خود در ائتلاف حاکم خیر بیشتری برداشتند و به این منظور انتقاد از آن سیاست‌های دولت رفسنجانی که بد رجایت تمایل اسلامی، روزنامه‌های تهران، در روز ۲۲ تیر متن استغفارنامه ویرانی که خطاب به رئیس جمهور نوشته شده است، منتشر کردند. از این‌نحوه استغفارنامه خاتمی از خدمایت از سخنرانی فرهنگی، یک شیخون قتل عام فرهنگی است، "او برابر "حفظ نظام" بسیجی‌ها را فراز دشمن هی کنند نه تنها یک تهاجم بگیرد، کاری که از لاحاظ فرهنگی دشمن هی کنند نه تنها یک تهاجم بیاندگان و سختگویان این بیو و مدتهاست که علیه توقيت و وزن فقهی و تتعديل در مشی سرکوب فرهنگ و فکر غیر حکومتی، زیان به دشمن و پر خاش‌گشوده‌اندو با توسل به چماق و ترسک به اتواع توظیه‌ها به نتایجی بسیار سیده‌اند، بالنهم، در طول این‌مدت، این نیرو توادع بازی در ائتلاف حاکم را مرعی میداشت و هم‌اصطب خود را متوجه به عقب راندن و حذف نیروهای "خطدام" از ارگانها و مواضع حساس قدرت در رژیم میکرد. اما پس از پیروزی ائتلاف حاکم در جنگ با "خطدام‌ام" های سر قبضه مجلس چارم که در پی حذف کامل اینها از مجلس خبرگان دومن دستاوردهم سیاسی ائتلاف حاکم محسوب می‌شود - تبروی روحانیت سنتی و رسانیتی ها در مبارزه برای قبیله دادن تمایلات و گرایش‌های خود در ائتلاف حاکم خیر بیشتری برداشتند و به این منظور انتقاد از آن سیاست‌های دولت رفسنجانی که بد رجایت تمایل اسلامی، روزنامه‌های تهران، در روز ۲۲ تیر متن استغفارنامه ویرانی که خطاب به رئیس جمهور نوشته شده است، منتشر کردند. از این‌نحوه استغفارنامه خاتمی از خدمایت از سخنرانی فرهنگی، یک شیخون قتل عام فرهنگی است، "او برابر "حفظ نظام" بسیجی‌ها را فراز دشمن هی کنند نه تنها یک تهاجم بگیرد، کاری که از لاحاظ فرهنگی دشمن هی کنند نه تنها یک تهاجم بیاندگان و سختگویان این بیو و مدتهاست که علیه توقيت و وزن فقهی و تتعديل در مشی سرکوب فرهنگ و فکر غیر حکومتی، زیان به دشمن و پر خاش‌گشوده‌اندو با توسل به چماق و ترسک به اتواع توظیه‌ها به نتایجی بسیار سیده‌اند، بالنهم، در طول این‌مدت، این نیرو توادع بازی در ائتلاف حاکم را مرعی میداشت و هم‌اصطب خود را متوجه به عقب راندن و حذف نیروهای "خطدام" از ارگانها و مواضع حساس قدرت در رژیم میکرد. اما پس از پیروزی ائتلاف حاکم در جنگ با "خطدام‌ام" های سر قبضه مجلس چارم که در پی حذف کامل اینها از مجلس خبرگان دومن دستاوردهم سیاسی ائتلاف حاکم محسوب می‌شود - تبروی روحانیت سنتی و رسانیتی ها در مبارزه برای قبیله دادن تمایلات و گرایش‌های خود در ائتلاف حاکم خیر بیشتری برداشتند و به این منظور انتقاد از آن سیاست‌های دولت رفسنجانی که بد رجایت تمایل اسلامی، روزنامه‌های تهران، در روز ۲۲ تیر متن استغفارنامه ویرانی که خطاب به رئیس جمهور نوشته شده است، منتشر کردند. از این‌نحوه استغفارنامه خاتمی از خدمایت از سخنرانی فرهنگی، یک شیخون قتل عام فرهنگی است، "او برابر "حفظ نظام" بسیجی‌ها را فراز دشمن هی کنند نه تنها یک تهاجم بگیرد، کاری که از لاحاظ فرهنگی دشمن هی کنند نه تنها یک تهاجم بیاندگان و سختگویان این بیو و مدتهاست که علیه توقيت و وزن فقهی و تتعديل در مشی سرکوب فرهنگ و فکر غیر حکومتی، زیان به دشمن و پر خاش‌گشوده‌اندو با توسل به چماق و ترسک به اتواع توظیه‌ها به نتایجی بسیار سیده‌اند، بالنهم، در طول این‌مدت، این نیرو توادع بازی در ائتلاف حاکم را مرعی میداشت و هم‌اصطب خود را متوجه به عقب راندن و حذف نیروهای "خطدام" از ارگانها و مواضع حساس قدرت در رژیم میکرد. اما پس از پیروزی ائتلاف حاکم در جنگ با "خطدام‌ام" های سر قبضه مجلس چارم که در پی حذف کامل اینها از مجلس خبرگان دومن دستاوردهم سیاسی ائتلاف حاکم محسوب می‌شود - تبروی روحانیت سنتی و رسانیتی ها در مبارزه برای قبیله دادن تمایلات و گرایش‌های خود در ائتلاف حاکم خیر بیشتری برداشتند و به این منظور انتقاد از آن سیاست‌های دولت رفسنجانی که بد رجایت تمایل اسلامی، روزنامه‌های تهران، در روز ۲۲ تیر متن استغفارنامه ویرانی که خطاب به رئیس جمهور نوشته شده است، منتشر کردند. از این‌نحوه استغفارنامه خاتمی از خدمایت از سخنرانی فرهنگی، یک شیخون قتل عام فرهنگی است، "او برابر "حفظ نظام" بسیجی‌ها را فراز دشمن هی کنند نه تنها یک تهاجم بگیرد، کاری که از لاحاظ فرهنگی دشمن هی کنند نه تنها یک تهاجم بیاندگان و سختگویان این بیو و مدتهاست که علیه توقيت و وزن فقهی و تتعديل در مشی سرکوب فرهنگ و فکر غیر حکومتی، زیان به دشمن و پر خاش‌گشوده‌اندو با توسل به چماق و ترسک به اتواع توظیه‌ها به نتایجی بسیار سیده‌اند، بالنهم، در طول این‌مدت، این نیرو توادع بازی در ائتلاف حاکم را مرعی میداشت و هم‌اصطب خود را متوجه به عقب راندن و حذف نیروهای "خطدام" از ارگانها و مواضع حساس قدرت در رژیم میکرد. اما پس از پیروزی ائتلاف حاکم در جنگ با "خطدام‌ام" های سر قبضه مجلس چارم که در پی حذف کامل اینها از مجلس خبرگان دومن دستاوردهم سیاسی ائتلاف حاکم محسوب می‌شود - تبروی روحانیت سنتی و رسانیتی ها در مبارزه برای قبیله دادن تمایلات و گرایش‌های خود در ائتلاف حاکم خیر بیشتری برداشتند و به این منظور انتقاد از آن سیاست‌های دولت رفسنجانی که بد رجایت تمایل اسلامی، روزنامه‌های تهران، در روز ۲۲ تیر متن استغفارنامه ویرانی که خطاب به رئیس جمهور نوشته شده است، منتشر کردند. از این‌نحوه استغفارنامه خاتمی از خدمایت از سخنرانی فرهنگی، یک شیخون قتل عام فرهنگی است، "او برابر "حفظ نظام" بسیجی‌ها را فراز دشمن هی کنند نه تنها یک تهاجم بگیرد، کاری که از لاحاظ فرهنگی دشمن هی کنند نه تنها یک تهاجم بیاندگان و سختگویان این بیو و مدتهاست که علیه توقيت و وزن فقهی و تتعديل در مشی سرکوب فرهنگ و فکر غیر حکومتی، زیان به دشمن و پر خاش‌گشوده‌اندو با توسل به چماق و ترسک به اتواع توظیه‌ها به نتایجی بسیار سیده‌اند، بالنهم، در طول این‌مدت، این نیرو توادع بازی در ائتلاف حاکم را مرعی میداشت و هم‌اصطب خود را متوجه به عقب راندن و حذف نیروهای "خطدام" از ارگانها و مواضع حساس قدرت در رژیم میکرد. اما پس از پیروزی ائتلاف حاکم در جنگ با "خطدام‌ام" های سر قبضه مجلس چارم که در پی حذف کامل اینها از مجلس خبرگان دومن دستاوردهم سیاسی ائتلاف حاکم محسوب می‌شود - تبروی روحانیت سنتی و رسانیتی ها در مبارزه برای قبیله دادن تمایلات و گرایش‌های خود در ائتلاف حاکم خیر بیشتری برداشتند و به این منظور انتقاد از آن سیاست‌های دولت رفسنجانی که بد رجایت تمایل اسلامی، روزنامه‌های تهران، در روز ۲۲ تیر متن استغفارنامه ویرانی که خطاب به رئیس جمهور نوشته شده است، منتشر کردند. از این‌نحوه استغفارنامه خاتمی از خدمایت از سخنرانی فرهنگی، یک شیخون قتل عام فرهنگی است، "او برابر "حفظ نظام" بسیجی‌ها را فراز دشمن هی کنند نه تنها یک

بکرید، نیروهایی که، رفسنجانی با اعلام سیاست «نقعایس است باید سراغ شور رفت» و «دیگر دوران شور است نه شعار، عصر خردگرایی است نه احساسات!» به آنها فرمانده میخواهد با تمايلات آنها همراهی کند. روش است که رفسنجانی در محلکرد چند سال اخیر خود نه همه خواستهای نیروهای عرفی و خردگرا و منحصر جامعه را بجا آورد و نه اساساً از امامت یک سیاست معمول بازسازی کشور در راستای نوگرایی و مفایر با استبداد و دیکتاتوری را پاسخ گفته است. بعلاوه بیچوچه نیتوان اطمینان داشت که او بر موضع منخدت در این چند سال خواهد استاد یا به نیرویی که پشت سر او قرار گرفته اند پشت خواهد کرد، به مشی ایجاد تغییرات در پایگاه اجتماعی رژیم اداهه خواهد داد و یا بر اصل حفظ حزب الله بعنوان تنها پایگاه رژیم، خواهد پیوست؟ او در چهار ده سال گذشته، کم پشتک و وارونه است و نیتوان در نظر نداشت که او با نظام اسلامی زمینه ظهر پیاپی داشته باشد و همواره قدر تمند نظام فناهی بوده است. در مقابل، این قطعی است که نیروی اجتماعی تکنولوگیات و عرفی گرا نمیتواند از مواضع اجتماعی و اندیشه‌های پارتباد دهنده این مواضع، جدا شود. برعکار، در لحظه کنونی این سیاست نفع و شعارهای فناهی است که دویاره دست سرخخون زده و میخواهد که حکومت با آن تعریف شود و سرخ، در واقع آنچه که چند سال پیش بود، اکنون بگونه‌ای دیگر و نه لزوماً در همان آرایش نیرو و سیما سیاستی مجدد به صحنه باز گشته است. روحانیت سنتی و واپسگرا میخواهد که هرچه سریعتر تناقض را از چهره چند سال اخیر حکومت بزاید و یکدستی فناهی در عرصه فکر و روش و آزادی بدوی سوداگران انتصاد بازار را اینها می‌نمایند. شوونات مملکت کند و روش است که موج شعار منتشره از سوی حامیان فقہ و ولایت فقیه، هر آنچه را که طی این چند سال بر حکومت تحمل شده است در معرض تمدیدهای جدی قرار داده است. اما آنچه که مختصات لحظه حاضر است، به یقین پایان ماجرا نیست. زیرا، این تها دعوا بین حکومتیان نیست که کشور بر کدام مدار بچرخد، بلکه این مبارزه بین دوستگیری اصلی در جامعه ماست که حتی در جامعه آخوند هم شکاف می‌اندازد. دوستگیری که جدای از اتفاق تکیک و تمایزهای ریز و درشت در میان هر یک، یکی را مظفر مشخصه، تعلق به تجددد و عرفی گرایی است و دیگری را، واپسگرایی، تحریر، استبداد و سوداگری اقتصادی غلامت شناسی است. این نیز، در همه جای جامعه و در جمیع پعندها و به اشکال و سیماهایی متفاوت جریان دارد.

حکومت جمهوری اسلامی هم چاره‌ای ندارد جز اینکه در چنبره این تضاد اساسی بر خود بپیچد. سرنوشت آن، بادعوای بر سر انتخاب کدامین دوستگیری اساسی در کشور گره خورده است. دعوای مدیرت فقیه و مدیریت علمی، دعوای اینکه این جمهوریت است که برای نظام اولویت دارد یا این تقاضا است که باید هنر تعیین کننده نظام باشد، از تجلیات این تضاد و این انتخاب هاست.

دعوا بر سر خط و روش

ادامه‌از صفحه ۱

گردانندگان دولت کشیدند. و معمتم، آنها زمانی احساس قدرت فزاینده کردند که خامنه‌ای اشکار و مصمم به بیدان آمد و در سخنان خود صریح نظر از تمجید توخلی از «رئیس جمهور محبوب» بینه همه آن ستمگیری‌هایی را زاد که در جامعه بنام دولت رفسنجانی معروف شده است. اینکه علی خامنه‌ای الزاماً در همین موضع تعاجمی تلیه برخی سمتگیری‌ها و اقدامات دولت در چند سال اخیر خواهد استاد و یا بعد از هم از حد و سیاستی مواضع مطروده اخیر خواهد کرد. احتمالاتی که هردو میتوانند تحقیق یابد، مسلمان‌بای روحانیت سنتی از درجه دوم اهمیت برخوردار است. آنها حتی اینرا میدانند که تاثیر این سخنان نیتواند این باشد که هر آنچه طی این چند سال بر حکومت فتح تحمیل شده، بیکباره دود شو دو به آسانی از میان برخیزد، در لحظه حاضر، برای آنها مهم فقط همین است که خامنه‌ای به سخنگوی تمام هیئت روحانیت سنتی در برایر گرایش مدعی تجدید نظر طلب در روش‌های حکومت اسلامی و نیز اندیشه عرفی و متقدی خود آرزو میکنند. اما مسئله اینست که محمد خاتمی وزیر ارشاد را باید اولین مهده چینی و در عین حال مهمندان برداشت محصول روحانیت سنتی در تعریف آغاز شده قلمداد کرد که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌هایی که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و سیاست‌هایی بلند شده که در این چند سال پیش رفته و نیز از شخصیت‌های سرشناسی که، نامشان با این بینش‌ها و روش‌ها گره می‌گردند که در این هر صدها از کارزار چماق‌بستان قلم بدست در مخالفی چون روزنامه‌کیان و چماق‌داران سلسه حزب‌الله در اینجا و آنجا بخوبی بفره‌گرفت. و اینکه در پی آن، صدای انتقاد از روش‌ها و

چماق ”نهی از منکر“ برس رجامعہ

خشنودی روزنامه کیهان

استعفانامه او را نیز زیر ضرب
گرفت و آنرا "بیانیه تبلیغاتی" خواند و در مقاله‌ای به مین عنوان
مشهار داد که: "نیروهای نفوذی
که از ارتباط‌گشته و حاشاشان با
مراکز انحراف قابل تشخیص‌اند"
قبل از کتاب رفتن کوشیده‌اند
اچورم‌های قدرت و حتی مالی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را
به خارج از آن منتقل نمایند تا
بتوانند با تشكیل سندیکاهای
شورایها و تعاونی‌ها توسط
چهره‌های برگزیده به اسم دفاع از
آزادی و مبارزه با خفغان امیال
سیاسی خود را جنده فرهنگی
بپخشند". نویسنده مقاله از
مسئولان مربوطه میخواهد: "با
استفاده از فضای امر به معروف و
نهی از منكر فعلی که برای دفع
شیخون و قتل هم فرهنگی
همومنیت یافته است با یک عمل
بسیجی شر افراد و تشکیلات فوق
را از سر مردم برای همیشه کوتاه
کنند".
کیهان که اوضاع کنونی را بر
وقت مراد می‌بیند، میخواهد
همچنان آتش پاچاسته را شعله‌ور
نگهدارد تا به تمام اهداف خود
برسد.

سید علی بن ابی طالب

درباره کاریکاتور نشریه فاراد

انتشار این شماره فاراد، تحریکات قلیه مطبوعات مستقل و نیز وزارت ارشاد و شخص خاتمه به شدت بالاگرفت. این حدس و گمان‌ها بویژه زمانی قوت‌های غیرد که آشکار شده است حمله به دفتر ماهنامه فاراد مطابق نقشه‌ای بود که در محل دفتر روزنامه کیان طرح ریزی و به اجرای آمده است. این موضوع را خود وزارت ارشاد در نامه‌ای به مقامات بالا پیرامون و تایع مربوطبه مجله فاراد صریحاً مطرح کرده است. علاوه بر این، در فضای این ایجادکشور ماهیج کس باور ندارد که هیچ طراحی و هیچ نشریه‌ای بخواهد به تمیه و انتشار چنین طرحی در نشیره دارای مجوز قانونی، اقدام نماید. آنهم در یک نشریه علمی و پژوهشی که معمولاً کاری به سیاست نداشته است.

در کارزاری که مدت‌هاست علیه فعالیت فرهنگی - اجتماعی نشریات مستقل کشور برآه افتاده است، کاریکاتور ماهنامه فاراد به دستاویز مناسبی برای محاذی مرتعج حکومت تبدیل شده بود. اما در تهران کم نیستند کسانی که گمان دارند مدیر و مسئولین مجله فاراد روحشان از طرحی که در مجله چاپ شده و صورت آن شبیه خمینی است، بی‌خبرند و این کار «توطئه»^{۲۴} مخالفی از حکومت است که باعفایت نشریات مستقل سر مخالفت دارند. گفته می‌شود این محاذی از طریق عوامل خود در چاپخانه در یکی دیگر از مراحل فنی چاپ، این طرح را وارد نشریه کرده یا در آن دستکاری کرده‌اند، بتایجاو سازی و تحریر، شرایطرا برای جلوگیری از فعالیت این نشریات فراهم آورند. پس از

کلاعبرا داری بزرگ

انجمن اسلامی دانشگاه بین المللی
خمینی صورت گرفته و اداره
اگهی های وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی تبریز آن را مورد تائید قرار
داده است. امضا کننده نامه فوق
یکی از دانشجویان عضو انجمن
اسلامی دانشگاه مذکور است، وی
مدعی شد که یکی از مسئولین
سازمان برگزاری کنوارهای
آزمایشی کل کشور امضا وی را
جعل کرده است.

متخصصین و بازکشت ایرانیان مقیم خارج از کشور اظهار نظر نمود. او گفت: "اگر بنا کارآیی است، در رواهه‌های مملکت را باز کنید و هر لیرال و هر متخصص اعم از داخلی و خارجی بباید داخل مملکت و بعد هم بالای سر انقلاب اسلامی بنویسید" (الفاتحه)، و اضافه نمود: "بنکه عدهای از بیرون استاده‌اند و به خودشان و عده مددنده‌که زمینه آماده شده است ته خیر، زمینه آماده نشده، شما اشتباه می‌کنید، قلطه‌می‌کند آنکسی که زمینه را برای شما آماده می‌کند".

این سخنرانی‌ها و تهاجمات حزب‌الله و اقدام‌های نهادهای انتظامی رژیم جوریت و حشمتی را در سراسر ایران و بویژه شهر تهران بوجود آورده است. حکومتیان در اجرای "فرمان خامنه‌ای" هردم را زیر هجوم "نهی از بنک" قرار داده‌اند.

د است
میگردام در صحنه مقابل با تهاجم
فرهنگی حضور ندارند، بلکه امروز
در کنار مقدس مایان، هتاكان
تقدیس سنتیزی در صحنه پلید
سلام آمریکایی حضور یافته‌اند
که می‌خواهند جمهوریت نظام را
بر اسلامی بودن آن قلبه دهند.^{۶۶}
رورثام سلام نیز در دفاع از
اختتمی و وزارت ارشاد نوشت:
”صدای جشن و هورا از طرف
دیرگری شنیده می‌شود. از
جایگاهی که لمپنیزم فرهنگی و
تروریسم فکری در آن بیتوه
کرده‌اند. صدای هورا و شادی از
آن وادی است که شنیده می‌شود!
آری، حق این است که تحریر را
انچنان ماندگار تصور نکنیم ولی
باید به آثار تخریبی فوکاسالاری
”شعبان بی مخ“های فرهنگی
توجه کنیم و بدانیم که پیوند
نامهارک این دو پدیده شوم، به
امروز، که میچ رمان خواهند
گذاشت فرهنگ و تقدیر در سلامت و
در کمال باقی بمانند. سلام
نوشت: ”همار مستی کسانی که
اکنون باور کرده‌اند که مشکلات
فرهنگی رفع خواهد شد، بسیار
زوودتر از آنی که ذکر می‌کنند
تروکش خواهد کرد.“^{۶۷}

وست که فریاد می‌زند و هشدار
میدهد و اوست که همه را بسیج
میکند، باید از انتظار داشت؟؟
اعضاهه می‌کند جتنی
ده: ”موقعیت حزب الله و بسیج
ضعیف شده بود و این مصیبت و
ضایعهای برای مابود و هم خود ما
هم بسیجیان دلسرد شدند“
اعضاهه میکندکه: ”بر اثر فلت از
ین وظیفه خلیل بندها در معرض
ب رفتن قرار گرفت... مسئولین
در ردههای بالا با حزب الله
درگیری داشتماند اینها حزب الله
را قلع و تعم کردند؟؟ او در
رابطه با مدیران میگوید: ...
ین مسائل هضمایشی این است که
ین آقای مدیر نمی‌تواند به بیند
رسی باو بگوید بالای چشمش
بروست اینکوته مدیرها را باید
گر میشود توجیهشان کرد و اگر
همی شود آنها را باید کثار
کذاشت؟؟“

جلس تودیعی که به مناسبت استعفای خاتمی برگزار شد، جمعی از هنرمندان و افراد و سیاست‌گران وابسته به حکومت به قاع از خاتمی و سیاست‌های رژیارت ارشاد برخاستند و "تحیرگرایی" را محاکوم نردند، روزنامه‌کیهان که از بردگداران حمله به خاتمی طی ساههای گذشته بوده است این محملات را ادامه داد، این روزنامه خیرادر مقاله‌ای فاش کرد که یکی از قلل جملاتش به خاتمی آن بوده وی در زمان وزارت خود بیش از یکسوم بودجه ارزی کیهان را ۱۴ میلیون دلار بوده است،

نامش داد، این روزنامه طی ملاقات متعددی به انتقاد از خاتمی و استعفانامه‌ی پرداخت از جمله حرایم وی را آن دانسته: دشمن از سنگر "ثولیبرالیسم" حمله کرده‌اما رژیارت ارشاد ممه نیروها را به سنگر مقابلیه با محجرین فراخواند بعضی سنگرهای محجرین را هنگی را دفاع گذاشت، کیهان نوشت: باید دانست که امروز نه مخالفین موسیقی و نه مخالفین

اده‌هاز صفحه ۱
شهرستان‌های استان آذربایجان غربی گردان‌های عاشرور اتشکیل می‌گردد. بنوشه روزنامه کیهان رو حائیون تم میخواهند برای تحقق "امر به معروف و نهى از منور" انجمنی بنام "اجمن ناصحین" تشکیل دهند. اعضا این اجمن که با قوه تضائیه ممکاری نزدیک خواهند داشت، دارای کارت‌های ویژه‌ای خواهند بود که با آن اجازه میدهد به ادارات دولتی و شرکت‌های خصوصی و محاقلو و مجتمع سرکشی می‌کنند و با منکرات به مبارزه می‌پردازند. آنها به تولیدات فرهنگی مانند فیلم و کتاب نظارت خواهند داشت. مدیر کل فرهنگی و هنری وزارت آموزش و پرورش هم اعلام نمود که در سال آینده تحصیلی در دبیرستانهای کشور اجمنهای ویژه "امر به معروف و نهى از منکر" تشکیل خواهد شد.

ادامه از صفحه ۱

خاتمی: تحرر و واپس گیری

همان هفته رفسنجانی پیرامون استعنای خاتمی گفت: "وزیر ارشاد آقای خاتمی از پیش از انتخابات مجلس به دلایلی که برای خودشان دارند مایل به کناره‌گیری بودند و ما می‌گفتیم که صبر کنند تا زمان مناسب خودش و این زمان رسید"، رفسنجانی در مورد اینکه چرا زمان کنونی زمان مناسبی برای پذیرش استعنای خاتمی بوده است توضیحی نداد، اما بعدم دفاع وی از وزیر سابق ارشاد، خشم موافقان خاتمی در حاکمیت را برانگشت. آنها دفاع شدید رفسنجانی از ابر جفا فاضل وزیر سابق بعداشت - که توسط مجلس سوم برکنار شد - و تحفی وزیر آمورش و پرونرورش که توسط همان مجلس استیضاح شد - را با پر خورد وی با استعنای خاتمی مقایسه کرد و رئیس دولت را موردانتقاد قرار دادند.

عکس العمل‌های موافق و مخالف با خاتمی در این سطح محدود نبادند و علیرغم میاهوی ناشی از سخنرانی‌های خامنه‌ای در روزنامه‌ها و محادف و استهله به شرایط فعلی باشند، این جانب ترجیح میدهم که بدون دعده مسئولیت‌آجرايی با آزادی و اختیار در خور وظیفه دینی و اقلایی و انسانی خود را در دفاع از اسلام و مصلحت نظام، طوریکه آن را می‌شناسم و به آن باور دارم و نیز مقابله با جمود و تحریر و واپسگرایی که آن را بزرگترین آفت حکومت و نظام بقدرت رسیده دینی می‌دانم و ذهن مبارک امام را بخصوص در سال‌های اخیر نسبت به این آفت ایمان و زندگی سور شدیداً نگران و بی‌تاب یافته‌ام و هم‌چنین دفاع از حقوق و آزادیهای مشروع جامعه و افراد تا آنجا که توان و درک ناچیزترین امکانات اجازه دهد، در موقعیتی تازه و به صورتی دیگرانجام دهم."

همزمان با انتشار استغاثات خاتمی، هاشمی رفسنجانی طی حکمی علی لاریجانی را که طی سال‌های گذشته مشاغل مهمی در پیهار پاسداران داشته به سرپرستی وزارت ارشاد تعیین کرد. در این حکم هاشمی رفسنجانی^{۲۳} از تلاش‌ها و خدمات جانب آقای خاتمی تشکر و

دیدار غیرمنتظره ماندلااز ایران

انتقایلی مشخص شود، مذکورات را
ادامه خواهد داد.
در جریان سفر ماندلا به ایران،
اویلن دکترای افتخاری در
دوران استقرار جمهوری اسلامی
به وی اعطای شد او که سال گذشته
به سبب مواضع بین المللی دولت
ترکیه، جایزه ویژه آتاتورک را
که به وی اهداء شده بود.
پنzierفت، از سرپرستان دانشگاه
تهران به خاطر امتعای دکترای
افتخاری علوم سیاسی قدردانی
کرد، علاوه بر دکترای افتخاری،
یک لوح آرم دانشگاه تهران و یک
محسمه آزادی سیاه با جمله‌ای
از آیت الله خمینی به نلسون ماندلا
اهداء شد.
ماندلا روز اول مرداد تهران را
ترک کرد.

ادامه از صفحه ۱
مکرر متناسب بود.
رئیس کنگره دیدار با وزیر امو وی را دعوت به سفر اقتصادی جنوبی کرد با ولایتی در رابطه مذاکرات کنگره نمی توانیم با رژیم که مردم ما را بدهند هنوان نهایتین یک سیندی پوست می خواهیم را بر اکثریت ملت ادامه داد: تنها کشوار و جنگ علی کند و تاریخ قطعی

گزارش رفسنجانی از

”پیشرفت‌های اقتصادی دولت“



محورهای محظوظ شده، ضمن حمله به ”مخالفین و بدینسان“ گفت: ”سرمایه‌گذاری بسیار زیاد است که متناسبانه می‌بینیم بعضی از افرادی که همیشه مایوس کنند حرف می‌زنند و بنیان خالی کردن دل مردم است، می‌گویند سرمایه‌گذاری نشده و از طرفی های موجود استفاده شده، ما می‌دانیم چه خبر است؟“ بعضی از افرادی که همیشه مایوس کنند حرف می‌زنند“ از جمله افراد کابینه خود را ایجاد کرده‌اند. جمورو هستند که تحت فشار واقعیت‌ها هر راز چندی، گوشش‌هایی از ”پیش‌رفت“ های برنامه را فاش می‌کنند. چند روز پیش از سخنان رفسنجانی، معاون اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی اعلام کرده بود که رشد سرمایه‌گذاری در ایران منتهی است، رشد تولید تنها به دلیل استفاده از طرفیت‌های خالی واحدهای تولیدی دولتی رخداده است و در صورت ادامه روند موجود، تولید کاهش خواهد یافت. آمارهای رسمی منتشره از سوی بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه نیز خلاف اطلاعات رئیس جمهور را به اثبات می‌رساند. بخش خصوصی که بخطاطر جلب سرمایه‌های آن، از امکانات بی‌نظیر و همه گونه جماعتی‌های دولتی برخوردار شده، نه تنها علاقه‌ای به مشارکت در پروژه‌های توسعه‌نشان نداده بلکه طی سال‌های ۸۶ و ۹۰ به ترتیب ۱۵ و ۸/۳ درصد کمتر از پیش به سرمایه‌گذاری پرداخته است. در حالیکه مطابق پیش‌بینی‌های برنامه که به گفته رفسنجانی دارد، به ”خوبی جواب می‌دهد“، سرمایه‌گذاری بخش فیر دولتی می‌باشد در طی این سال‌ها از رشدی معادل ۷/۳۴ و ۱۷ درصد برخوردار باشد. ارقام فوق نشانگر آن است که یکی از مهمترین محورهای برنامه رفسنجانی یعنی جلب سرمایه‌ها به سوی تولید و افزایش سرمایه‌گذاری در این هر صه از سوی سرمایه‌داری دلال و فارغ‌تر بر پاسخ مساعد روبرو نشده است. بر این اساس بسیاری از کارشناسان اقتصادی وابسته به رژیم تیرادهای رفسنجانی مبنی بر رشد ۱۵ درصدی تولید ناخالص داخلی را در می‌کنند و رقم صحیح را/۵ هتا٪ ۳٪ پیش‌بینی می‌کنند. اما برای میلیونها تن از مردم ایران جهت قضاوت نسبت به درستی ادعاهای رفسنجانی به چنین آمارهایی نیز تیار نیست. آنها از روی زندگی روزمره

پیروزی بر جناح و گرایشی در حکومت که با برنامه اقتصادی دولت او مشخص از زاویه میدان دادن بیحساب آن به بخش خصوصی و کاهش کنترل دولتی بر امور اقتصادی مخالفت دارد، فارغ شده بود که بیکاره با موج انتقادی و تقابل وسیعی در حکومت روبرو شد. این فستیوال ۲۹ سال پیش بطور سالیانه بین المللی فیلم ”کارلو ویواری“ در ایتالیا موفق به کسب ”جایزه ویژه“ شد. این فستیوال که از ۲۹ می‌گستیم و غیر مستقیم بسیاری از برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی او را با دشواری ها و تکنایا روبرو می‌کند. رفسنجانی در این اولین واکنش قابل تأکید خود به فضایی که آفریده شده است، گرچه پیرامون مسائل امور اکتور فرنگی سکوت کرد ولی در جماعت اقتصادی بر برنامه خود پایی فشود. این ایستادگی بر سر موضع اقتصادی در حالی صورت می‌گیرد که او با پاره‌ای از گرایشی ارجاعی از فرهنگی که انتقال و هنرپیشه‌های معروف آن آشخون آنها موضع تجاری بزرگ شده است. این ایستادگی در می‌گزیند که آن قرار گرفته است. این اعتراف ظاهرابه خاطر وجود صحنه‌هایی از فیلم های قبل از دوران در فیلم مذکور، صورت شدید حوزه علمیه و روحانیون وابسته به آن تقریباً گذشت. فیلم ”ناصر الدین شاه“ اکتور سینما در ایران مورد اعتراض شدید گردید و رفسنجانی با این در خواست نیز برگزار می‌شود. این اعتراف مخالفت ورزید و انجام کریستالی“ خود را به یک رفسنجانی در میدان گذاشت. روزهایی، گفت که همه آنان تا پیان مدت این کابینه در سمت هایشان با اصرار مخالفت ورزید و انجام آن را لازم ندانست. این اعتراف رفسنجانی از جمله مطالبات

جنجال بر سر فیلم ”ناصر الدین شاه“ اکتور سینما“

فیلم ”ناصر الدین شاه“ اکتور سینما“ به کارگردانی محسن مخلباف کارگردان جنجالی سینما ایران در فستیوال بین المللی فیلم ”کارلو ویواری“ در ایتالیا موفق به کسب ”جایزه ویژه“ شد. این فیلم توسط بیانیه رفسنجانی به ریس مجلس ناطق نوری ایران، تقدیر ایجا می‌گردید. رفسنجانی در میدان گذاشت. روزهایی، گفت که همه آنها تا پیان روزهایی از فیلم های قبل از دوره ایتالیا می‌گزیند اگر زمین را کشت نکنیم زن و پچه هایان گزینه می‌گزیند اگر زیر کشت بیزیم که هزینه آن سرسام آور می‌شود و عملیات شخم، شیار، بذر، مبارزه با کرم ساق خوار و علف های هرز و مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد. اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی آن را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. این اعتراف رفسنجانی در سمت هایشان باقی ماند. این اعتراف رفسنجانی از جمله مطالبات

ترکیب هیئت دولت تغییر نخواهد کرد

هاشمی رفسنجانی اعلام کرد که هیچ یک از اعضای هیأت دولت مستند گروهی از نهادنگان تغییر نخواهد کرد. شایعه انجام تغییراتی در کابینه رفسنجانی بدنیان استعفای خاتمی و زیر ارشاد قوت بیشتری گرفته بود. ریس مجلس اقدام کردند. آب بعای کشاورزی سال بسیار افزایش می‌باشد. این مبلغ در سال‌های ۷۶ و ۹۰ به ۱۵۰۰۰ تومان و سال ۵ به ۲۵۰۰۰ تومان افزایش یافت. شالیکاران قادر به پرداخت این مبلغ نیستند. اینها می‌گویند: ”اگر زمین را کشت نکنیم زن و پچه هایان گزینه می‌گزیند اگر زیر کشت بیزیم که هزینه آن سرسام آور می‌شود و عملیات شخم، شیار، بذر، مبارزه با کرم ساق خوار و علف های هرز و مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکاران می‌گویند: ”آب باری که امکاناتی را برای کشاورزان فراهم نموده است که هر ساله آب بسیار می‌شود و در مراقبت شبانه روزی نیاز به صرف هزینه زیادی دارد.“ اداره ابتدایی حق بعای کشاورزی را در خوزستان، فارس، کرمانشاه و گیلان تعییر یافتند. اداره اگر آن پردازند برق منازل قطع و از آب کشاورزی هم خبری نخواهد بود.“ شالیکار

انفجار جمیعت و پیامدهای هولناک آن مسئول کیست؟

علم دانست، تا چند سال پیش هر گونه مشdar در مورد افزایش جمیعت و تلاش برای کنترل آن را مخالفت با شرع و قوانین اسلام معلام میکردند و با آن به سبیز رمی خواستند، رژیم به طور مستمر مردم را به افزایش جمیعت و تولید "سربازان سلام" تشویق می نمود، این سیاست مخرب که بر اهداف توسعه طبلاء رژیم جهت صدور نقلاب اسلامی و افزایش "تعداد مسلمانین" منکی بود، نتایج پیرانگر خود را به بار آورد و نرخ رشد جمیعت در سال ۵۷ عرايه رقم ییساخته $\frac{۳}{۴}$ در صدر ساند، اکنون چند سالی است که سران رژیم ازین سیاست مخرب دست برداشته اند و تلاش هایی در جهت نتیرنگ جمیعت انجام میدهند که مدت متمکبر روشن های پیشگیری از جلوگیری از بارداری و آموزش جمیعت در ایران است، اما این روشن ها در عین تاثیرات محدود کننده خود بر رشد جمیعت، هنوز نتوانسته است این سیل ویرانگر^۴ راههار کند.

مسئلولان رژیم در تبلیغات خود مهواره بر این موضوع تاکید کرده اند که افزایش جمعیت بایان دستیابی به توسعه اقتصادی را احتمالی است. در این موضوع اتفاقیتی نفعته است اما تاکید کجانبه بر آن دمیدن در شیپور از سرگشاد آن است. تحقیقات و اتفاقیات بسیار شنان می دهد که مردم افزایش جمعیت مانع بر سر راه توسعه است. اما در واقع تنها از طریق توسعه اقتصادی - حتماً و سیاسی میتوان کنترل جمعیت را به شیوه ای موثر پیش رد. یک مقایسه بین کشور های مختلف جوان نشان میدهد کشور هایی که از سطوح معین رفاه و فرهنگ برخوردارند، نوامنستانه افزایش جمعیت را بحث کنترل در آورند و به عکس در کشور های فقیر و قطب مانده رشد جمعیت با سرعت بسیار ادامه اراده. در مقایسه بین اشاره مختلف اجتماعی در کشور خودمان هم می توان به این نتیجه رسید. در سمتیار کنترل جمعیت و راه های پیشگیری از آن در تهران، خیلی از یکی از م حالات فقر ششین حاشیه ای به همایش نهاده شد. متوسط بر زندان خانواره ها در این منطقه نفر بود. پدیده ای که مرگ در فشار مردم شر و با فرهنگ تراجمانه میتوان مشاهده کرد.

برهنهنگی از هوا مول عمه افزاشی
جمعیت است، برای مقابله با
انفجار جمیعت باید فقر اقتصادی و
قرفه نهنگی را کاهش داده از میان
رداشت. در کشور ما امکنان
طبیعی و انسانی و ثروت های
سیاری وجود دارد که غلیرغم
فرزایش شدید جمیعت، بتوان
رجهت رفاه نسبی و گسترش
برهنهنگ لازم برای مقابله با انفجار
جماعت به کار گرفت.
سیاست های جاری و حاکم بر
کشور اما در جمیت دیگری است.
مقتابات رژیم سیاست هایی را
روزگر زده آن دکه به قدر و بی رهنهنگی
ییشتر اشار وسیع مردم منجر
کی شود. این سیاست ها، امکان
نتنرل جمیعت را کاهش میدهد و
بعاد فاجعه ناشی از انفجار
جماعت، اگسترش مدد.

ساخته شد. نگاهی به این ارقام کافی است که ابعاد عظیم رشد حاشیه‌نشینی و بی‌خانمانی در اینده‌نر زدیک کشور را دریافت . رشد بیکاری سوی دیگر فاجعه است. میزان اشتغال در کشور ما در سال ۷۵ برابر ۲۲ درصد (رقم متوسط در جهان برابر ۷۵/۴۴) بوده است. به عبارت دیگر در سال گذشته ۲۲ درصد جمعیت باید نیازهای خود و ۷۸ درصد دیگر از مردم راتامین می‌کرد. مسئولین ، از تعداد بیکاران رقیق واقعی به دست نمی‌دهند. طبق اطلاعات رسمی ۱۴/۷ درصد نیروی کار یعنی قریب به ۲ میلیون نفر در سال ۷۵ بیکار بوده‌اند. بیکاری پنهان و مشاپل کاذب به ۳۵ تا ۴۵ درصد باتوجه به رشد کنونی جمعیت، کارشناسان پیجاد سالانه ۷۰۰ هزار تا یک میلیون شغل جدید برای حفظ سطح فعلی اشتغال در کشور را ضرور میدانند. در برنامه ۵ ساله اقتصادی، هر ساله تنها ۳۹۴ هزار شغل جدید پیش‌بینی شده که مانند سایر پیش‌بینی های برنامه، تحقق ناپذیر است. گسترش چشمگیر بیکاری و انواع بیکاری های پنهان از عوایض گولنگ انتحار جمعیت در کشور سنت.

فاجعه بارترین نتیجه انفجار جمیعت را می‌توان گسترش هولناک بیسوسادی در سطح کشور دانست. امکانات فعلی آمورشی کشور به همیچ روی پاسخگوی نیازها نیست. رشد جمیعت آماده تحصیل از رشد کلی جمیعت در ایران سریعتر صورت می‌گیرد. به گفته وزیر آموزش و پرورش طی فاصله سال‌های ۵۶ تا ۷۰ جمیعت دانشآموزی ایران به ۲ برابر افزایش یافته است و هم‌اکنون به ۱۸ میلیون نفر می‌رسد. پیش‌بینی می‌شود این رقم در سال ۱۳۸۱ از ۴۵ میلیون نفر بگذرد. برای آموزش در سطح مقاطع متوسطه سالانه به ۱۵ هزار لیسانس احتیاج است که به گفته وزیر آموزش و پرورش سال‌های گذشته این رقم از عهر زار بیشتر شده است، نتیجه در دنک و وضعیت کنوئی آموزش کشور در این تعقیب است که از هر ۱۰۰ دانشآموزی که پای به مدرسه می‌گذاردند تنها ۲۸ نفر آنها می‌توانند دبیلم بگیرند. واقعیت هولناک‌تر افزایش شمار کودکانی است که هرگز به مدرسه زاده نمی‌باشد، مطابق آمارهای رسمی هنوز یک میلیون و ۸۰۰ هزار کودک واجب التعلیم وجود دارند که به مدرسه راه نیافرته‌اند و بر تعداد آنان هر سال افزوده می‌شود. در حالیکه هر سال ۱/۵ میلیون کودک به سن مدرسه می‌رسند، ۲۵ درصد آنان هرگز موقت نمی‌شوند به مدرسه بروند. واقعیت‌های فوق نشانگر فاجعه بزرگی است که کشور ما باید روبروست. فاجعه‌ای که تنها متعلق به آینده نیست و از هم‌اکنون نشانه‌های آن را در فقر و خانه‌خوابی در بیکاری و بیسوسادی و در سقوط اقتصادی می‌توان دید. مسئول کیست؟

رشد انفجارگونه جمیعت در
ایران را میتوان به فعل
نوگوئی مرتبط کرد، اما
کسان سیاست‌های حاکم بر
کشور را باید از همدهترین این

۱۵۰ سال دیگر جمیعت کشور دوباره خواهد شد
۱۵۰ درصد کودکان ایرانی زیر "خط تندرستی" قرار دارند
سالانه ۴۵ درصد کودکانی که به سن تحصیل می‌رسند،
ز راه یافتن به مدرسه محروم می‌مانند

در هفته آخر تیر ماه گذشته،
عیت بجزیستی "برگزار شد.
من باست سمتارهای مختلفی
کشور پیرامون مستله رشد
عیت برگزار شد و برخی از
بیولین و کارشناسان حقوقی را
ساختند که تا حدودی بیانگر
اد هولناک انفجار جمعیت و
عدم اقتصادی است که جامعه ما
وز و در آینده نزدیک با آن
روست.

مطابق آمارهای موجود،
عیت کشور در ناصله سال های
۱۳۵۷ تا ۱۳۵۸ به ۲۳۰۰۰ برابر افزایش
است و از ۶/۴ میلیون نفر به
۴۹۰ میلیون نفر رسید. رشد
جار گونه جمعیت پس از انقلاب
لامی نیز ادامه داشته است. در
یکه رشد جمعیت در سال
۱۳۶۱ بر ایران با ۷/۲ درصد بود، در
۱۳۶۵ به ۳/۹ میلیون نفر رسید.
بعد از این سبقت، آخرین
شماری ها حاکی است که هم
برای ۲۵ میلیون نفر باید مواد
زمینی های موجود تنها کاف
تفاوت نیمی از جمعیت را می کند و
کشاورزی بلاستفاده مانده است.
کارشناسان و زارت کشاورزی
میلیون ها هكتار زمین
کشاورزی بلاستفاده مانده است.
زمین های موجود تنها کاف
تفاوت نیمی از جمعیت را می کند و
برای ۲۵ میلیون نفر باید مواد

غذایی را از خارج وارد کرد. سالانه ۲ میلیون نفر بر این تعداد اضافه می‌شود که هزینه ارزی متجاوز از ۵ میلیارد دلار بر هزینه‌های دولت می‌افزاید. در برابر این وضع برنامه‌های توسعه کشاورزی دولت تقریباً شکست مواجه شده است. در حالیکه مطابق پیش‌بینی‌های برنامه، رشد حاصله در بخش کشاورزی در سال ۶۸ می‌باشد و در سال آینده ۷۰ می‌باشد. عملابه سطح ۸۰ درصد محدود ماند از هم‌اینجا می‌توان به سرنوشت هدف تعیین شده برنامه در مورد رشد بخش کشاورزی تا سال ۷۲ به میزان ۱۰۰ درصدی برداشت. نتیجه این وضع گسترش قول آسای فقر و انواع بیماریهای ناشی از آن است. مطابق گزارش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پر شکی در حال حاضر تنها یک هفتم پرورشی‌های لازم به افراد کشور می‌رسد به گفته کارشناسان این وزارتخانه ۵۰ درصد از کودکان ایرانی زیر "خط تدرستی" قرار دارند و ۳۲ درصد کودکان زیر ۵ سال (۵۰٪) در حد از دختران و ۱۲ درصد از پسران) از فقر غذایی رنج می‌برند. چشم‌انداز آینده دولنگاتر است.

بیان نظر بالغ شده است. هر چند سال‌های اخیر ترخ رشد عقیت سیری نزولی داشته و از ۳/۲ درصد در سال ۶۵ به ۲/۳ درصد در سال ۶۸ و ۲/۴ درصد در ۱۳۷۵ کاهش یافته، اما رشد عقیت در ایران همچنان از تقریباً سرعت در جهان خوددار است و از نزد متوسط ده جمعیت در جهان ۱/۷ (درصد) و کشورهای در حال رشد ۲/۳ (درصد) فاصله چشمگیری دارد. بر این پایه است که شناسان پیش‌بینی می‌کنند عقیت ایران تا سال آینده ۱۳۸۵ از ۱۰۰ میلیون نفر خواهد شد و تا ۲۵ سال آینده به ۲ برابر از طبق فعلی خواهد رسید.

رشد شهرنشینی در ایران با عنیتی سیار بیشتر از افزایش و محاسبه ادامه دارد. عقیت شعری کشور از ۸ میلیون در سال ۱۳۳۵ به ۲۷ میلیون در سال ۱۳۶۵ رسید. رشد شهرنشینی در ایران هم‌اکنون بـ ۵ درصد است و پیش‌بینی شود که در سال ۳۵ سال آینده ۸۵ صد جمعیت کشور شهرنشین د و این موضوع خطر کمبود اد غذایی و گرسنگی را به یک مطر جدی تبدیل کرده است.

رشد انفجاری جمعیت، همه

یکی دیگر از پایامدهای حاد افزایش شدید جمعیت، کمبود مسکن و بی‌هانمانی میلیون‌ها نفر از افراد کشور است. با روند کنونی رشد جمعیت پیش‌بینی می‌شود تا ۳۱ سال آینده (با توجه به استعمال واحدهای مسکونی) به ۱۱ میلیون واحد مسکونی جدید نیاز باشد برای اینکه تنها وضع فعلی مسکن حفظ شود، بدین منظور سالانه باید حدود ۸۰۰ هزار مسکن جدید ساخته شود. دولت در برنامه ۵ ساله اقتصادی پیش‌بینی کرده بود که در سال ۹۴، ۶۸ هزار واحد مسکونی جدید با ۲۸ میلیون متر مکعب زیربنای ساخته می‌شود، در حالیکه در این سال تنها ۱۱۶ هزار واحد با ۱۷ میلیون متر مربع نباید بنا نهادهای کشور را می‌بلعند. بنابراین کار شناسان هر یک درصد جمعیت، ۳ تا ۴ درصد از آمد کشور را کاهش می‌دهند. کار شناسان محاسبه کرده‌اند یک درصد رشد جمعیت، ۳ صد تولید ناخالص داخلی (پس از ربختش مصرف) را می‌بلعند. با ۳/۲ درصد ای جمعیت در سال ۹۸، افزایش درآمد و تولید ناخالص داخلی به میزان ۹/۶ صد نیاز پوچده است تا سطح رشد صادی و اجتماعی کشور ثابت نماید و روبه عقب نزود در حالیکه وسط ترخ رشد تولید ناخالص ایلی پیش‌بینی شده در برنامه ۵ همه اقتصادی تنها ۸/۱ درصد ایله است. ابعاد فاجعه وقتی کار می‌شود که بدانست رشد

باخش خصوصی و سرمایه‌داری را پایان دادن به همه بی عدالتی‌ها و فسادها و امود ساخت، واقعیت این است که در سیستم سهمیه‌بندی که اصولاً در یک اقتصاد سالم و عادی وجود آن نیاز نیست، بخصوص زمانی که از سوی دولتی فاسد به مورد اجرا گذارده می‌شود، زمینه برای اختلاس‌ها، بی عدالتی‌ها و فساد کم نیست‌اما جوهر برنامه دولت این است که همه جمایتهای اقتصادی از مردم را که در قالب پرداخت سوبیسید و سهمیه‌بندی در موارد معین و قیمت‌های دولتی وجود داشته کنار بگذاردو همه امکانات و کمک‌های دولتی را متوجه سرمایه‌داران و باخش خصوصی سازد، سیاست دولت، انتقال فشارهای اقتصاد بحران زده و ورشکسته کشور بردوش توده‌های فقر زده مردم است، زمینه سازی‌یکی رفسنجانی برای حذف سوبیسیدها و سهمیه‌بندی‌ها و قیمت‌های دولتی در آینده، تنها تشدید فشار بیشتر بر مردم به‌امید توسعه‌ای است که همه شاخصهای اقتصادی بیانگر عدم موقیت آن است. در جامعه فقر زده و بحرانی ما نمی‌توان وظیله دولت در جمایتهای اقتصادی از طبقات محروم و کم‌درآمد را به فراموشی سپرد و تأمین نیازهای عمومی و مصرفی آنان را بdest سرمایه‌دارانی سپرد که جز سود خود به هیچ نمی‌اندیشند. نتیجه این سیاست تشدید شکننای طبقاتی و راندن جامعه‌سوی انفجار خواهد بود.

قضاؤت مردم در بارہ سخنان رفسنجانی

نمی تواند جلو قاچاق را بگیرد
تا وانش را بایم در مدم بپردازند؟
راجع به سخنان آتی هاشمی
که گفتند بنین آندر ارزان است
که از ترکیه میابیند می خرد و
می بینند آنجا ۱۸۵ تومان
می فروشنند، آیا حقوق یک کارمند
ایرانی مثل حقوق یک ترک است؟
اگر اینطور بود ما هم حاضریم
بنین را ۱۸۵ تومان بخریم،
درآمد یک شمرورون ترکیه حدود
۵۰۰ دلار است، چرا قیمت
کازوئیل را با آنجا مقایسه
می کنید؟
آتای رئیس جمهور که
می فرمایند سیستم کوپی چون از
کمونیستهاست باطل است یعنی
مثل چون امریکایی ها قذا
می خورند ها بنایی فدا بخوریم؟
ظاهرا این اظهارات مقدمه ای
است که این متدار اندک مایحتاج
کوپی هم حذف شوند، ترا بخداء
ترا به هرگز که می پرسید، به
آنکه این انتقام است، اینکه
سخنان صریح رفسنجانی در
جهت حذف سوبسیدها و
سممیه بندی کالاهای دولتی
انعکاس گستردگی را در سطح
جامعه همراه داشت و با موجی از
نارضایتی طلبی از هواداران
رژیم روپرورد، بخششی معمی
از سخنان وی در نهار جمهه - که
بطور مستقیم از رادیو پخش
می شد - در تلویزیون و
مطبوعات سانسور شد.
روزنامه های داخل کشور
متن های خلاصه شده و تقریباً
مشابهی از سخنان وی به چاپ
رساندند، گروهی از مردم از
طریق نامه و تلفن نارضایتی خود
را از سیاستهای اقتصادی دولت را
به روزنامه ها اعلام کردند و برخی
از روزنامه ها گوشده هایی از این
نارضایتی هارا به چاپ رساندند که
نمونه هایی از آن را در زیر
می خوانید:
- در خصوص گفتنهای

ریس جمهور نه خنده نه خوبید
زیاد داریم ولی مشتری نداریم،
میخواستم به ایشان بگویم مردم
پول پرداخت فیش برق و آب را
ندازند چطور ممکن است بتوانند
پیکان را باقیمت بالا بخرند؟
برخورد آقای هاشمی در
خطبه‌های نماز جمعه با مردم
شهرنشین طوری بود مثل اینکه
مردم شهر شین تمام مایحتاج
خود را برآختی از دولت مجاناً
می‌گیرند. آیا این درست است؟
نه! دانیم چرا هر کس حرف
حساب می‌زند و خلاصه با عدد و
رقم نظرات خود را ابراز می‌کند،
نتیجه‌اش این می‌شود که حرفها
مایوس کنند و موجب خالی
کردن دل مردم از کار در می‌باشد!
در رابطه با سخنان آقای
هاشمی که گفتند: کالاهای ایران
رزان است و تا جاق می‌شود و باید
گران شود، آتا جون دولت

رقص بر آتش خشم

محمدی

شورش‌های مردم در چند شهر
بزرگ کشور نشان داد که: رژیم
مستبد و بی‌صلاحیت در تنگی‌تر

سخت گرفتار است؛ و مردم به
شورش دست می زنند، اما این
شورش‌ها، برخلاف اتفاقی سازمان
مجاهدین خلق، به هیچ وجه مدلل
صحبت و بیار نشستن راه و روشن
این سازمان طی یازده سال
گذشته نیست. حرکت طبیعی
مردم در جامعه و ارتش مجاهدین
خلق در عراق، ربطی بیکدیگر
ندارند.

آنای رجوی پس از دریافت خبر
قصیان مشهد چنین نتیجه گرفت:
مردم ایران ثابت کردند به
کسانیکه "از مبارزه قصر آمیز نیز
چون حن از بسم الله می ترسیدن
فرار می کردند، پیشیری ارزش و
مشروعیت قائل نیستند"؛ و در
پی ایشان، هوا دار اشنان نیز در
بولتن های خود نوشتند که: "بیار
نشستن و گل دادن استراتژی
ظفر میون نبرد همسلطانه انقلابی در
میان توده ها، بشارتی برای
پیروزی محظوم خلق تحت ستم و
پیاخته ایران است".^{۱۰}

اگر از این نکته صرف نظر کنیم که همدتا در سریوش گذاشتن بر بحران بن بست مشی و روش و نیز مصرف داخلی است که این سازمان بازار اینگونه تحلیل‌ها و استنتاج‌ها را گزین کرده است، موضوع مهم برای اپوزیسیون آزادیخواه و مترقبی این است که اجازه ندهند از درون خاکستر این شورش‌ها نتیجه‌گیری‌های سیاسی غرض‌ورانه و انحرافی سربرآورده. این شورش‌ها که هشدار و ضربه‌های به برجسته‌گرایش‌های توهم آفرین و انحرافی بود شاید وسله توجیه و تطهیر گرایش‌های ماجراجویانه و انحرافی دیگر قرار گیرد. پادره‌های بودند مشی هرگونه تبری جویی از قصر ناگزیر مردمی و اعلام امتناع پیشاپیش از هرگونه شرکت در آن که ناکامی خود را در

نگرش "تو مائے"

شیخخون فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است“، این جمله نمونه بارز برخورد رهبران جمهوری اسلامی با معضلات اجتماعی است. در حالیکه مسائل موجود در زمینه فرهنگی قبل از همه به هواں درونی پرمیگردد و نه بیرونی. فرهنگ حاکم ناتوان و ماجز از پاسخگویی به نیازهای مردم از جمله جوانان است چراکه با مختصات عصر امروز و جامعه مانطباق ندارد. فرهنگ حاکم قادر به رقابت با فرهنگ غربی و فرهنگ مترقبی و پیشوای نیست. تولیدات نویسندهان و هنرمندان غیر وابسته با وجود محدودیت‌های زیاد، برتری و جذابیت خود را انشان داده‌اند و در بین جامعه روشنگران طرفداران زیادی پیدا کرده‌اند. فرهنگ مرده و متاخر نمی‌تواند در بین جوانان جذب‌های بوجود آورده، جوانان به آن فرهنگی روی می‌اورند که بخواست‌ها و نیازهای آنها پاسخ گوید. جوانان را "دشمن" از رژیم اسلامی نمی‌گیرد، اکثریت آنها در سالهای بعد از انقلاب بزرگ شده‌اند. این فرهنگ رژیم "ولادت فقیه" است که جوانان را خودمیراند. با چوب و چماق، باراه‌انداختن دستگات حزب الله، با گوفا سالاری و هیاهو نمی‌توان فرهنگ و اپسگرا و متاخر را بر جامعه تحمیل کرد. جامعه آن را پس می‌زند. پس زدن فرهنگ حاکم توسط جامعه نه محصول "وطئه" دشمن، بلکه در ناتوانی آن به پاسخگویی به نیازهای معمونی جامعه امروزین است. با نگرش "وطئه" نمی‌توان ریشه معضلات را بدرستی شناخت و راه و چاه اندیشید.

نگرش "وطئه" در بین مردم و سران حکومت رایج است. این برخورد در بین سران رژیم جنبه‌آگاهانه دارد و دلیل آن شخصاً سرپوش گذاشت بر اتفاقی‌ها و بر عمل واقعی معضلات اجتماعی است چراکه رژیم می‌خواهد علت این همه دبختی‌ها و نلاکت‌ها را بیدگران سبب دهد و در مردم این توهمندی وجود آورده که جمهوری اسلامی سبب فقر و نلاکت مردم نیست. از توسل به "وطئه" ابزار رژیم‌های توتالیتر و دیکتاتور است. آنها از طریق کلیدی می‌سازند که به همه درها می‌خورد و ماهیج دری راه باز نمی‌کند. این مسئله بطور روشن و رجسته در همین فوغاگشی که در مینه مسائل فرهنگی راه انداده شده است، مشاهده می‌شود. بخش نهمی از سران حکومت از جمله جامعه‌ای مسائل عدیدهای را که رزمهین فرهنگی در جامعه وجود ارد تنها از زاویه "تعاجم رهنگی دشمن" نگاه می‌کنند. آنها بن تصور را دارند میرند که "دشمن" "وطئه‌چیده" و بطور رنامه‌ریزی شده‌ای برای نابودی رژیم اسلامی به "تعاجم رهنگی" روی آورده است. جامعه‌ای در سختنای خود که به وج اخیر منجر گردید بطور شکار می‌گوید: "دشمن از راه نفعه فرهنگ قلطه قساد و فحشا عقی می‌کند جوانهای مارا از دست بگیرد کاری که از لخاظفرهنگی دشمن می‌کند نه تنها یک تعاجم هنگی بلکه باید گفت یک

بختام

در روزهای اخیر که موج
دیدی بعنوان "نی از نکر" ه
افتاده است باز هم مسائل
ظرف و در عرصه فرهنگی
سط سران رژیم اسلامی به
توطنه؟ دشمن نسبت داده
ن شود.

نیست دادن معتقدات جامعه ما
توطئه دشمن نه منحصر مسائل
هنگی است و نه به امروز تعلق
رد. بلکه از بدو انقلاب فرهنگی
یاری از معتقدات جامعه باهمین
رژه، مورد تفسیر و تحلیل قرار
فته است. بعضی خاطر واژه
توطئه^{۱۰} به جز لاینجزی
بیان سیاسی حکومت جمهوری
لامی تبدیل شده است.

"توطئه" در ادبیات سیاسی
یک واژه ساده بلکه شیوه نگرش
ناگواریها و معضلات اجتماعی
ست. این نگرش علت پدیده ها را
در عوامل درونی، بلکه در عامل
رونی، نه در خود بلکه در دشمن
نیزند و بعضی خاطر نمی توانند با
آن را می خواهند.

یزدها بدرستی نهاد پرورش د و عمل و عوامل موجود آن را تأسیس، در این نگاه پیچیدگی تعقیت ها و چند جانبه بودن آن در رگرهته نمی شود بلکه علت ملک پدیده ها در یک عامل م "توطئه" خلاصه می شود، دشمن تراشی یکی از پایه های

ن تکریش است چه داشمن داخلی
چه داشمن خارجی، چرا که بدون
نمی توان از "توطئه"
میمان سخنی بمعیان آورد. در
نگاه غیر خودیها داشمن تلقی
شود که میخواهد خودیها را از
آن پردازد و طبقاً یابن نتیجه
رسد که "هر کس یاما نیست
عن من ماست". حتی در میان
دیها نیز گاه رقیب فکری و
حتی خود را داشمن بحساب
آورده و در صدد حذف آن بر
اید.

میلیونی زحمتکش و محروم
سنگینی می‌کند قرار بگیرد،

پیام شورش‌ها و به
یزدان آمدن مردم، روش بود جز
با انتکابه مردم و جز بودن با مردم،
عیچ راهی برای مبارزه واقعی و
مشیر بخش در راه آزادی ورشد و
عدالت اجتماعی در کشور وجود
ندارد. نیروی که در جبهه مردم
قرار دارد باید با تکیه بر مردم به

نیزی روی وزین و در خور تبدیل شود
تامکان یابد که در فعل و افعالات
سیاسی کشور و اشکال آنها تأشیر
بگذارد.
اما این شورش‌ها به همیج و جه

تاییدی بر جنگ مسلحانه جمهوری
اسلامی و مجاهدین خلق ایران
نمی باشد که جنگ خذای کور جنگ و
کشتار و سرکوب، و مرگ جانکار
هزاران دختر و پسر پر شور و

بالقوه سازنده بسته لاچوردی
حاصل دیگری نداشته است.
جیکس از پورسیون مشی
سازمان مجاهدین خلق را مشی
روسفید نمی شناسد و ترجم
ین مشی را همگان نهدر درون
کشور که در آن سوی مزه های

سوزن می بینید.
نیر و های دمکرات و خواهان
رهایی مردم از قدر و محرومیت،
ین را می فهمند که باید با تکیه بر
راده مردم در مبارزه به خاطر
خواستهایشان بازیزم، آن اراده
کنگاه را در مردم بپروراند که
خواهند از پی این حکومت،

حکومتی سر کار آید که بر رای
نان متنکی باشد و بدانند که هر
ندازه بتوانند راه رسیدن به
مقصود را از طرق مصالحت آمیز و
کمتر هیجانی تحقیق بخشد،
برجام کار بعتری در انتظار شان
خواهد بود. مردمی با چنین آمورش
بلوچ، آنجا هم که بناگزیر و به
بعقیت از رژیم مصر بر اعمال قدر
در دایره نظر بیفتند، نه در ستایش
تقدیس قهر که برای
ردهم شکستن قهر حاکم و بدل
زدن آن به تسليم راه خواهند
بیمود.



آرزوهای رفسنچانی بر باد رفت؟

علیٰ اکبر قنبری

دعوت سران حکومت از بسیج
برای مقابله با موج اعتراضات
مردمی که بلافضله پس از
شورش‌های اخیر در چندین شهر
کشور صورت گرفت، با سختی‌ترین
خامنه‌ای و رهنمودهای او تبدیل به
بازگشت مجدد "حزب الله" به
صحنه^۱ شده است، در حال حاضر
فضا و شرایطی در کشور بوجود
آمده است که اگر به همین منوال
ادامه یابد، باید گفت تمام
کاسه‌کوزه‌های رفسنجانی را
در هم خواهد ریخت، بسیج‌های
حزب الله با ماموریت^۲ تجامی
فریضه امر به معروف و نهى از
منکر و^۳ مقابله با تهاجم فرهنگی
غرب^۴ بار دیگر راهی کوچه و
خیابان شدند تا ممان کاری را از
سرگیرند که پیش از این و از آغاز
استقرار حکومت اسلامی
می‌کردند. اندکی تتعديل در زفتر
لحاظ^۵ ساخته که متوجه دم که

مستقل که در یکی دو سال اخیر پایه میدان فعالیت گذاشتند و توانند این تعامل شوند. شواهد داشتن می‌دهند این‌موجی که راه افتاده و تأسیعی خاتمه و نشان برای جلوگیری از انتشار نشربات فرهنگی امتداد یافته تمام‌باش شورش‌های اخیر و تابعی حکومت برای مقابله با آن مرتبط نیست. در این هجوم آشکارا می‌توان ردپای هم‌پیمانان رفسنجانی را نیز دید که بدیال پیروزی بر رقیب مشترک در انتخابات مجلس و تقویت موقعیت خود در پی گرفتن سهم خود در اعمال سیاست‌های حکومتی جستند، صحنه‌ردنی امثال جنتی که خامنه‌ای را نیز با خود همراه کرده‌اند، در این چهارچوب قابل توضیح است.

در هر حال آنچه که همین امروز می‌توان گفت این است که نقشه‌های رفسنجانی برای بدره‌گیری از "موقعیت شیرین" در انتخابات، بر هم خورد. در فضایی که هم‌اکتوں در کشور برآه افتاده، کاری که میسر است، نه جلب سرمایه‌های مادی و معنوی در مقیاس ملی و بین‌المللی برای بازارسازی و نجات کشور، که همان ادامه تخریب و ویرانگری سال‌های گذشته و تشدید مشکلات کشور تا سوط طان به قصر فتوحه‌باهی است.

روشنگر انداشان از سوی دیگر، از این جوانان شکری بسازد که صداقت و شور و حرارت و روحیه تقدیمی را در جذب ملت قلل متوجه اند و به غایت لیبرالی بسازند...^{۱۰} (کیهان - مقاله شمریار زرناس).

**

در طول تاریخ اسلام دستگاه روحانیت همواره خود را پاسدار شریعت اسلامی میدانست و نسبت به هر متکری که پاراز محدوده تغیر سنتی بپرسن می نهاد با حساسیت زیادی برخورد میکرد و خانوون مهواره تجدید نظر طلبان را تکفیر میکردند. حتی این تکفیر در محدوده خود روحانیت نیز مصدق داشت، در تاریخ اسلام مولوی را تکفیر کردند، کتاب

مثنوی توسط برخی از فقهاء خاطر مسائل هر فانی آن تجسس اعلام شد. اختلاف نظر در طول تاریخ نحله های ذکری همیشه بروز کرده است و کسانی پیدا شدن که بدقت ها را شکستند و اندیشه های نوین را مطرح ساختند، اما در اسلام بدقت گذاران همواره مورد تکفیر قرار میگرفتند. روحانیت سنتی و طرفداران آن نشان داده اند که تحمل حیات دیگر اندیشه هارا می که حضور برخی مسئولین آن در جلسات ترتیب یافته با مسئولین از سفارت جمهوری اسلامی در میگیرند، چهار تکفیر به شلاق، شکنجه و اعدام

تبديل میشود.

تحولات فکری اخیر درین بخشی از نیروهای جمهوری اسلامی نیز با مکس العمل تند روحانیت سنتی و دیگر تاریک اندیشه اشان روبر شده است. خامنه ای در روز روحانی و دانشجو (۲۷ آذر) میانشی را که سرو شرط مطرح میکند ("فساد آور") خواهد و دفتر مرکزی نمایندگان رهبری در دانشگاه با اشاره به سخنان سروش، نسبت به بزرگ کردن نتاط ضعف حوزه و نقه بشدت هشدار داد. عناصر شناخته شده ای از مدرسان حوزه علمیه تم از جمله آیت الله ناصر مکارم شیرازی و آیت الله جعفر سیجانی نیز به مجادله با سروش برخاسته اند.

اسلامی در مقالات متعدد خود، طرفداران رفم در دین اسلام را زیر ضرب میگیرد. نویسنده این ماهنامه نوک حملات خود را توجه روش نکنکران دینی کرده اند و آنها را منبع فساد تلقی میکنند. روزنامه رسالت مدتھاست که طور هربت و پیگیر به این

فرهنگی تهم میسازد. روزنامه کیهان که پرچمدار تاریک اندیشه و سرکوب مطبوعات شده است، مرتباً مقاالت را در این زمینه هادر جه میکند. اخیراً نیز سلسله مقالات مطلع از شخصی بنام شفیر بارز شناس باعنوان "اشار اتی در باره آزادی، توسعه، فرهنگ" در رفع نموده است که در آن به روشنگران دینی حمله شده است.

آنها وجهی از "تعاجم فرهنگی"^{۱۱} را در همین تحولات فکری درین نیروهای مذهبی تلقی میکنند و می گویند که صورت جدید مدرنسیم دینی که حدود و عرصه پیش فعال گردیده در این دارندگان و بوی سیاسی نداشت و در اوایل با تکیه بر فضای ناشی از جنگ و نیاز حضور فیزیکی و نیز سیاسی افراد و نیروهای در درون جامعه - حضور غیر موثر و خشی شده و تکنواریاتیک و آکادمیک بود و سده نیروی آنها معطوف به کار فرهنگی، تئوریک و هنری بود ولی امروز رنگ سیاسی هم پیدا کرده است. آنچه بخصوص براین امر تاکید دارند که جریان روشنگری درین طرح ترجیحی مانیفست خود از یکسو و سیستمی خود در عرصه دستگاهها و نهادهای تعیین کننده سیاست های فرهنگی، هنری، مطبوعاتی، حركت خزانده و دوگانه ای را تأثیر کرده اند: حرکتی در جمعت تبیین تئوریک تطبیق "دین" با شعبو دات زمانه از یکسو و از سوی دیگر مدایت فعل و وضعیت فرهنگی، هنری و مطبوعاتی کشور به سمت فلیکه ارزش های مدرنسیستی و کم رنگ شدن ارزش های مفاهیم دینی.

سمت عمومی این تحولات فکری فاصله گرفتن از ولایت فقیه، عقلانی کردن تغیر اسلامی، پذیرش و مبنای قرار دادن رای مردم، آزادی بیان و مطبوعات در چارچوب قانون اساسی، تبادل و ادغام فرهنگی ای این، این روند هنوز سیر تکوینی خود را باسیل نیتوان آن را قاطعی تلقی کرد، این تحولات باسیل سیاسی و بذرجهای با مسائل جنابحی و "مصالح نظام"^{۱۲} گره خورد. است، بعین خاطر با شریرویها و عقب نشینیها و گاه با برگشت ها همراه است. تحولات درین بخشی از نیروهای اسلامی بیش فیر حکومتی از تشكیل های صنی و دمکراتیک و از همه به این دلیل مثبت است که در جامعه فضای شکستن استبداد دفاع نمی کنند و بخشی از آنها هنوز در قدرت حاکم نبوده است. در این نظام تلمرو محدودی را دربر میگیرد. صحابان این دیدگاهها هنوز از آزادی فعالیت سازمان های سیاسی جدیدی را در آن وارد سازند. آنسته از نیروهای اسلامی در ایران خواهد داشت. به همین خاطر باید مورد توجه نیروهای دمکراتیک قرار گیرد. همچنانی نظاره گردیدن نسبت به این کارزار فکری و یاصیماتی نشان دادن نسبت به آن نمی تواند کارساز باشد. نیروهای اپوزیسیون و روشنگران غیر مذهبی از کنار این تحولات می گذرند و وارد این کارزار فکری نمی شوند. در حالیکه جمال حاد و سرو شست سازی در جریان است و می توان و باید در آن تأثیر گذاشت. این یک سو جبهه طرفداران فقه سنتی و قشریون را تضعیف کرده و از سوی دیگر با طرفداران رفم در شریعت اسلامی وارد مجاذه فکری شد و دیدگاه های نیروهای دمکرات را توضیح داد.

تحولات فکری درین بخشی از نیروهای اسلامی را در زمینه مطبوعات و انتشار کتاب هم اکنون عملاً بخشی از نیروهای جناح تند و با سرکوب گران فیر و باسته به رفیع در مقابل منحرین و سرکوب گران در یک صفت قرار گرفته اند و هر دو مورد حمله

بازی سیاسی به جای تلاش برای حل مسئله

پیرامون گوشاهی از تلاش های مقامات امنیتی جمهوری اسلامی در خارج از کشور

جنشی که هدایت شده، یا مددگر فتن از جمایت های بین المللی جمهوری اسلامی را بگوشه رینگ می راند و آن رایه خاطر غیر مجموعه فشارها و شرایطی که مهاجرت و ترک وطن این گروه عظیم از ایرانیان را مسبب شده است تحت فشار قرار می دهد، جنبشی که می تواند در اساتیز پیشبرد بیازره براز استقرار دموکراسی در ایران تأثیرات قابل توجه داشته باشد. وظیفه و پاراصلی در انگریز این جنبش نیز بر دوش و در توان سازمان های سیاسی اپوزیسیون و شخصیت های متفاوت دمی قدر مقدم خارج از کشور است.

عنصر و نیروهای داناتر در جمهوری اسلامی می دانند که اوضاع بینگونه نمی تواند تداوم یابد. شکست رفیع و بنی سنت جامعه در همه فر صهارای آنان بیش از هر کس هیئت است. بدین سبب می کشند در هر صده مورد بحث با پذیرش کمترین خسaran و عقب نشانی به رفع و رجوع امور پیر دارند و از جمله برای مقابله با شکل گیری یک جنبش نیرومند و سازمانی افتد و با پرسنی بارگشته بازگشت، میکشند اینجاو آنچه به این یا آن فرد بسان عنصری از یک لشکر شکست خود را مراجعت کنند.

قابل ذکر است در اینجا سخن از مبارزه و جنبش سیاسی است، به اعتقاد من تفاوتی بین این امر بازگشت افراد و مساله بازگشت سازمان ها و حقیقت های سیاسی است. حق هر فرد منجمله مهاجرین سیاسی در انتخاب محل زندگی خود و بازگشت به کشور از حقوق ابتدایی بشر است و بر مبنای شرایط مخصوص هر فرد، با پرسنی همه جوانب امر توسط خود و برای تامین بازگشت شرافتمانه به کشور تصمیم گیری می شود که طبعاً راه و مسیر رسمی و قانونی خود را دارد. در این راستا بازگشت مهاجرین سیاسی به کشور نه تنها مورد تایید که موردن تشوه باید قرار گیرد، اما آنچه فیر قابل پذیرش است تداخل این امر با مساله گسترش دموکراسی و مبارزه سیاسی است.

لازم است به مورد اخیر به عنوان یک بحث مهم مستقل پرداخته شود. گفتنی و نکات لازم به توجه در این زمینه بسیار است اما تا آنچه که به موضوع تماش های مطروح همراهی شود، منظور تاکید بر قصد جمهوری اسلامی در تقابل با شکل گیری جنبشی واقعی از مهاجرین سیاسی برای بازگشت شرافتمانه و امن به کشور است و توضیح اقدامات رفیع. در دست زدن به بازیابی سیاسی بجای تلاش برای حل واقعی مساله به اعتقاد من از کانال مذکوره ای رسمی و علنی با نیروهای اپوزیسیون برای رفع شرایطی که به مهاجرت انجامیده است، قابل حل است.

-ترور شخصیتی و نکته دیگر اینه که مامورین جمهوری اسلامی در بسیاری از موارد تماش های مزبور، نه تنها تاکیدی بر مخفی تکه داشتن آن ندارند بلکه به اشاعه خبر آن نیز می پردازند و در این امر هدف دوگانه ای را پی میگیرند:

با تماش ای افراد غاضل گرفته از فعالیت های سازمانی از آنچه که این امر قابل توجه نیست، به تحریب و ایجاد فضای بدگمانی بین سازمان های سیاسی می پردازند و از سوی دیگر که در موارد متعدد مصادق داشته است، ترور روحی و حیثیتی فرد طرف مراجعته ای اتفاق افکنی و ایجاد فضای بدگمانی بین مهاجرین را می دانند.

در مطلب فوق قدم تابه اهداف سیاسی مامورین جمهوری اسلامی در تماش های مذکور پرداخته شد و بیویه از اهداف اطلاعاتی آنان ذکری به عمل نیامد.

۱۳۷۱

فریدون احمدی

تاثیرگذاری بر خط مشی سیاسی
هدف دیگر این مامورین رژیم اما در همین

تغییرات در اساتیز تقویت خط مشی می تواند بازگشت سازمان فدا این خلق این اتفاق باشد. و تامسها این بارگشته با طرق فوناگون، حرف و حدیث خود را می کشند و بازگشت بازگشت می شود. می تواند این روزهای اسلامی در میان این افراد

بر این موقایع متفاوت باشند و بازگشت می شود. می تواند این روزهای اسلامی در میان این افراد

بر این موقایع متفاوت باشند و بازگشت می شود. می تواند این روزهای اسلامی در میان این افراد

بر این موقایع متفاوت باشند و بازگشت می شود. می تواند این روزهای اسلامی در میان این افراد

بر این موقایع متفاوت باشند و بازگشت می شود. می تواند این روزهای اسلامی در میان این افراد

بر این موقایع متفاوت باشند و بازگشت می شود. می تواند این روزهای اسلامی در میان این افراد

بر این موقایع متفاوت باشند و بازگشت می شود. می تواند این روزهای اسلامی در میان این افراد

بر این موقایع متفاوت باشند و بازگشت می شود. می تواند این روزهای اسلامی در میان این افراد

بر این موقایع متفاوت باشند و بازگشت می شود. می تواند این روزهای اسلامی در میان این افراد

بر این موقایع متفاوت باشند و بازگشت می شود. می تواند این روزهای اسلامی در میان این افراد

بر این موقایع متفاوت باشند و بازگشت می شود. می تواند این روزهای اسلامی در میان این افراد

از چندی پیش، اخبار متعددی شنیده می شود

حاکمی از این که اینجا و آنچه مامورین سیاسی مستقیماً تماش گرفته و بتنا به مور، به اشکال گوناگون، اهداف مشابهی را پیشگشت همراهین سیاسی و در همین

پیرامون امر بازگشت همراهین سیاسی و در همین

تغییرات تقویت خط مشی میگردند. میگردند

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

از اینجا این بارگشته بازگشت می شود. می شود

نکاتی پیرامون شکست سوسيالسم موجود

دروس ها و دورنما

قسمت دوام

ارزشها و اصول و نیز به مثابه جنبش، امروز به باند
کل بشریت در برابر مسائل اصلی حل شده در ابعاد
جهانی قرار دارد که باید در راه پاسخ به آنها قدم
بردارد. مهمترین این مسائل مستقیماً از حل به
بن بست رسیدن سوسيالیسم موجود ناشی می‌شدند،
در زیر به برخی از دلایل درهم شکستن سوسيالیسم
موجود خواهم پرداخت. بر اثر همان نظریه
سوسيالیسم در یک کشور که اندکی پس از انقلاب
اکتبر، بر اثر ناکامی انقلابات در سایر کشورهای
سرمایه‌داری، پدیدآمد و آرزو و برنامه را جایگزین
و اعفیت کرد، سوسيالیسم موجود از طریق برای
جامعه‌ای که بدنبال جامعه سرمایه‌داری پدیدمی‌آید و
به قول هارکس همه دستاوردهای مدنی جامعه مزبور
را اخذ می‌کند به طریقی برای یک جامعه ضد
سرمایه‌داری تبدیل شد، طریقی که قرار بود آن هم
در یک جامعه عقب‌مانده، نظام مدنی متضاد
سرمایه‌داری را پدید آورده و همه دستاوردهای
واشکال کارکرد نظام مزبور را نفی کند. به این
ترتیب عقب‌ماندگی به صموم برنامه‌ای و خصلت

اجتماعی جدیدی پدید آورده اند که جمهه اشار
مزدگیر را شامل شده و در قالب سنتی جامعه طبقاتی
نمی گنجند، تضادهایی در ابعاد هموم بشری و جهانی
که بر تضادهای طبقاتی سایه افکنده و مسئول بقای
بشریت را در دستور روز قرار داده اند، در عین حال
بین المللی شدن سرمایه دو نتیجه مهم به همراه
آورده است: کارگران جوامع صنعتی از ارزش
اضافتی پدید آمده در بازار جهانی، و به ویژه ارتقیسیم
تابر ابر آن بسود جوامع صنعتی؛ سهم می بزند. به این
ترتیب تضاد کار و سرمایه در این جوامع رفاقت تر
شده است، بعلاوه در برابر طبقه کارگر، سرمایه
بین المللی قرار دارد که میتواند از مبارزه کارگران
در حیطه ملی و نیاز از دخالت های دولتی مصون مانده
و شرایط کار و زندگی اتحاد ایشان از پیش از خارج از
مرزهای ملی تعیین کند. به این ترتیب روند باز تولید
سرمایه به یک پدیده بین المللی تبدیل شده که کمتر
در معرض دخالت دولت های ملی قرار دارد. هر کسی
که امروز در باره سرمایه داری، پیش فت اجتماعی و
اکثر تابعی سوسیالیستی میاندیشد، باید ضرور تار و ابط
اجتماعی و مرحله تکاملی جوامع صنعتی و نیز مسائل
مربوط به رشد مجموعه بشریت، و بخصوص جوامع
توسعه نیافرته را به مثابه یک کل واحد مد نظر قرار
دهد.

تکامل سرمایه‌داری از قرن گذشته تا به امروز به وسیله دو گرایش که توسط نئین نیز مورد توجه قرار گرفته بود و لی در جنبش کمونیستی به اندازه کافی و به درستی درک شده‌اند، مشخص می‌شود. گرایش اول در قدرت حیات اعجاب‌انگیز و قابلیت تکامل و نوسازی و نیز ظرفیت انتطاق‌بندیری سرمایه‌داری نهفته است، در این میان انقلاب علمی- فنی، که سرانجام به عامل اصلی شکست کشورهای سوسیالیستی در رقابت اقتصادی میان دو نظام مبدل شد، از بر جستگی خاصی برخوردار است. جنبش کارگری هرگز چنین توانی را در نظام سرمایه‌داری نمی‌دید. بی‌تر دید استناد دگماتیک و شماتیک به ساختان مارکس، که روابط تولیدی سرمایه‌داری به زنجیر رشد نیروهای مولده مبدل می‌شوند، به میزان زیادی درک درست واقعیت را دشوارتر نمود. از دیدگاه امروزی تضاد میان روابط تولیدی و نیروهای مولده به‌این ترتیب آشکار می‌شود که نیروهای مولده بر اثر حیر رقابت و بارآوری، سریعتر از قبل "تکامل" می‌یابند اما این تکامل از کنترل و مدارک اجتماعی خارج می‌شود. به این ترتیب گرایش دموکری آشکار می‌شود که از گرایش نخست فیزی قابل تغییر است: اقتصاد سرمایه‌داری که مدل کنونی مدنیت و نیز مرزهای بازار جهانی و اقتصاد جهانی را تعیین می‌کند نه قادر است فاجعه محیط‌زیست را از بین ببرد و نه می‌تواند راه حل‌لاجی برای فقر و رشد نایانگی

دو سوم مردم جهان ارائه دهد و از تابعیت شرایط زندگی در جوامع توسعه نیافته جلوگیرد. این نظام حتی قادر نیست جامعه دوسوم را در خود کشورهای سرمایه داری پیش نماید. از میان بزرگداشت این واقعیات ضرورت مینی یک اقتصادی و اجتماعی - سیاسی در مقابل سرمایه داری پدید می آید. این به معنای آن است که امروز جستجوی راه بیرون رفت از نامهنجاری سرمایه داری، هلی قم نیروی جیات و قابلیت رشد و ترقی این نظام، در مرحله اول نه از شرایط اقتصادی و منافع یک طبقه و از تضاد طبقاتی میان کارگران و سرمایه داران بلکه از ضرورت های نهفته در بقا و تکامل مجموعه شریعت بر می خیزد. اما در بد و امر، از آنجایی که در این راه

دور ساخت هایی، اکبریت لارم و بیر الترناوی ضرور و طرح های اجتماعی قادر به جذب اکثریت مردم پدید نیامده اند، بشریت کماکان به سوی فاجعه قدم بر میدارد.

درباره انقلاب اکتبر: انقلاب اکتبر در رابطه متقابل میان پیشرفت و بحران جبش کارگری جایگه ویژه‌ای دارد. انقلاب ابتدایی بزرگترین تحوالت بعدی را تحت تاثیر قرار داد، در راه سوی یک جامعه سوسیالیستی گشود و به همین خاطر در سراسر جهان میلیون‌ها نفر را به خود جلب کرد و امیدها و انتظارات زیادی برآورد. این انتقالب مورد پیشرفت پرپیچ و خم جهان اینا نموده است، قابل اذکار نیست. این انقلاب سرمایه‌داری را زیر جنده‌های بسیار به مبارزه طلبید و نه تنها دشمنی آن را برانگیخت بلکه باعث شد جامعه سرمایه‌داری برای مقابله با انقلاب اکتبر در حیطه‌های متعدد خود را اصلاح و توسعه کند، بنابراین نمی‌توان نتایج حاصله از این انقلاب را به زبانه‌دان تاریخ ریخت. در عین حال انقلاب اکتبر در مجموعه جنبش کارگری انتظاراتی برانگیخت که در تکامل بعدی خود قادر به پاسخ ممهجه جانه به آنها نشد. نقطه ضعف جامعه برآمد. از اکتبر این بود که قادر شدن گروی پیشبرد پیگیر دمکراسی و حقوق بشر باشد. این بخشی از واقعیت است. اما مسئله اصلی آن بود که تاریخ واقعی منطبق بر تئوری‌های بنیادین پیش‌رفت. این انقلاب، همانطور که آن‌تینوگرامش تاکید می‌کرد، انقلابی منظیق بر طرح مارکس نبود و بنابراین لاجرم می‌باشد. این انتقالب به تنازعی فیر از منجر شود. همانطور که انتقالب باشد، این انتقالب سوسیالیستی پیش‌بینی می‌شود. همانطور که انتقالب را به شرایط خاص روسیه انقلابی قهرآمیز بود، همانطور نیز هنر قهر این‌گونه انتقالب بنا به اتفاقی مانند اول، عقب ماندگی اجتماعی و اقتصادی جامعه‌ای که هنوز آبادگی سوسیالیسم را نداشت انتقالب جبرانگر صفتی را به امری عاجل بدل کرد. این انتقالب به نوبه خود همان‌گونه که در کشورهای صفتی نیز به هنرمان ایجاد شد، ابتدایی سرمایه، دمکراسی محلی از افراط نداشت. ثانیاً سایر انقلابات در آلمان و دیگر کشورهای فربی در آغاز دهه ۲۰ به شکست انجامیدند، بهنوزی که روسیه تنها و منزوی ماند. ثالثاً: قدرت شوروی از همان آغاز با دشمنان قدرتمندی مواجه بود که هدف‌نشان سرنگونی قهرآمیز این قدرت شوروی سیمایی یک سنگر محاصره شده‌را به خود گرفته بود. تهدیدهای مزبور در تمام طول ۷۵ سال موجودیت اتحادشوروی تداوم یافت. در طی این مدت، رهبران شوروی دهدی آسایش یافته‌اند تا با خالی اسوده طرح ساختمان سوسیالیسم را برپرند. اندکی پس از انقلاب جنگ داخلی و مداخله نظامی قوای خارجی آغاز شد. این سیاست با تحریم اقتصادی شوروی ادامه یافت و بالآخره با حمله ایالات متحده آمریکا و جهان غرب در جنگ سرد ازین بردن نظامی بود که دادهای ایجاد یک التراتیو مدرس‌مایه‌داری و سوسیالیستی داشت. این جنگ با ددف مهنته از ایجاد یک قدرت اقتصادی و سیاسی که تواند با قدرت سرمایه‌داری برآوری کند و سیاست بزم‌مایه‌داری را محدود نماید، پیشبرده شد. هرچه اشده، در سایه توازن قوایی که به وسیله اتحاد مجامعتی شوروی ایجاد شده بود، در سال‌های پیش از جنگ دوم جهانی فرایند فروپاشی نظام ستمهراتی جریان یافت که لااقل در ابتداء سمت و بموی تقویت سوسیالیسم جهانی را در خود نعمتی ایشان. اما قابض نظامی و مارپیچ دیوانه‌وار مسابقه سلیمانی از حد توان اقتصاد و جامعه شوروی دشستند و این جامعه به قلاکت جیران ناپذیری سوق ادند. این وضعیت از همان سال ۱۹۱۷ به بعد رحیمه یزه‌ای ایجاد کرد که شاید نتوان آن را توجیه کردا. مگمان می‌توان به توضیح آن برخاست. روحیه‌ای که در نگرش نسبت به قدرت شکل گرفت و زمینه‌ساز نکرد. سوسیالیسم از دمکراسی شد که به نوبه خود منته عملی گسترش بی‌محابای جنایات استالینی شد.

شک نیست که رهبران شوروی مجبور بودند پیش از کامی انقلابات سوسیالیستی در سایر کشورهای پسرفته صفتی، راه ویژه‌ای بیاند که در پیش‌بینی جبرانگر را با سمتگیری سوسیالیستی بوند دهد. اما استراتژی که در این راه پیش‌برده نتادرست بود و آخر الامرهم مدر نیز اسیون مربور، مان سوسیالیسم قلمداد شد.

ایجاد جوان کمونیستی در سایر کشورها در مان سال‌های نخست پیدایش خود در موقعیت

و عادلانه اموال وجود ندارد تا به
همه شهروندان امکان دهد که از
طریق نعادهای اعتباردهنده و با
امکانات برابر در پروسه
خصوصی کردن شرکت ورزند.

شرکت تعریباً همگانی صاحب منصبان در شرکت‌های تجاری که در همه دولت‌های متمدن یک جرم سنتی به شمار می‌آید، باعث ثروتمند شدن بی‌حد و حصر آنها شده و آنچنان سطحی از حمایت از صنایع داخلی وجود آورده که تنها در دولت نئوکارالی قابل تصور است. قوه اجرائیه شهری بتدیریج با ساختارهای جنایی تلقیق شده و شبکه بی‌نظیر مافیایی را بوجود می‌آورده که زندگی و فعالیت شهر را کنترل می‌کند. تماماً هیچ اقدامی برای حمایت اجتماعی از تعییدست‌ترین و نیازمندترین قشرهای اهالی صورت نمی‌گیرد. سیستم تأمین اجتماعی کار نمی‌کند.

وآخرین مطلب، من فقط
تیتر وار می خوانم: "مسکو یکی
از پایتخت های جهان، چندین
سال است که به ویرانه تبدیل شده
ست. شهر پر از خانه های ویران یا
نیمه ویرانی است که امکان
سکونت در آنها وجود ندارد. در
جهان حال بعترین چهارات و
بنایهای تاریخی مسکو به
شرکت های خارجی فروخته شده
یا برای مدت طولانی اجاره داده
شده اند". بفرمایید این نمونه
همای اجتماعی است.

مسکو برد. گویی هم روس ها و هم
شیلایی ها شتاب داشتند تا هر چه
رو دتر خود را از حضور یک
”شخص نامطلوب“ رهایی
خشنده.

وکیل مدافعانه هونکر تائید کرده است که محاکمه سیاسی است. دفاعیات هونکر نیز به احتمال قوی، دفاعیاتی سیاسی خواهد بود. اینجاست که باید پرسید آیا مقامات دولت کامل با پاپشاری بر بارگردانان او - به آلمان، برای خود دردرس ایجاد نکرده‌اند؟ همه وعده‌های کامل به مردم آلمان شرقی، دروغ از آب درآمده است. امروز نزدیک به یک چهارم جمعیت فعال آلمان شرقی بیکار است و احتمالاً این رقم بیشتر خواهد شد. قیمت هادر آلمان شرقی به سطح غرب رسیده و در مواردی حتی بر فرب پیشی گرفته است، در حالیکه دسمند‌ها بسیار پایین‌تر است. در چنین شرایطی که بسیاری از مردم آلمان شرقی باختشم و نفرت نسبت به مقامات هیئت حاکمه آلمان کفونی می‌گذرند، این احتمال قوی است که سخنان هونکر دردادگاه، بر دل این مردم شنیدند.

نلاش‌های مشترک سه‌رژیم

بستان علیه عراق
وابسته به خود در سمت دهمی به
تحولات آتی عراق نقش و سعم
بیشتری به دست آورده و فعالانه در
امور داخلی آن کشور دخالت کند.
چنین تلاش‌های
مداخله جویانه‌ای نمی‌تواند مورد
تأثید ما قرار گیرد. سیاست حسن
همجواری و مناسبات غیر خصمانه
با همه کشورهای همسایه از اصول
یک سیاست حاره‌ی صلح دوستانه
است. چنین هنسباتی البته به
معنی عدم پشتیبانی از جنبش‌های
ترقی خواهانه نیست و نمی‌تواند
یاشد، به شرط آنکه این پشتیبانی
تفاکمکی باشد به تحقق خواست و
اراده مردم هر کشور و نه دخالت
در امور آنان و تصمیم‌گیری به
حال آنان.

لازم به تذکر است که در حال حاضر در پشت پرده های کنگره، رای افلج کردن کار پارلمان تلاش می شود، برای مثال، فراکسیون روسیه دمکراتیک "از مایندگان می خواهد که جلسه کنگره را لزحدنصاب بستازند. من از نمایندگان دعوت کنم در این لحظه مسئولیت بازیخی و اراده دولتش خود را شان داده و وظیفه خویش را به نیوان پارلمان کشور انجام دهنند.

با توجه به اینکه هنوز وقت
محی برای من باقی مانده است،
توجه شمارا باید سند دیگر جلب
شود کنم. این سند مقاوله‌نامه
کارفرمایان مسکویی خطاب به
دولت مسکوست. قلا در گذشته
تفتہ شد که ما شاهدان مستیم که
دولت مسکو هم به همان شیوه
حکومت روسیه تشکیل شده و
تقریباً همان خطمشی را ایزدیال
شی کند. اینجا بارها از طرف دولت
رئیس جمهور گفته شد که
یامعه، کارفرمایان و مردم از
صلاحات پشتیبانی می‌کنند. در
سورد اینکه مردم فقیر شده از
صلاحات پشتیبانی می‌کنند لازم به
وضیح نیست. مستله به اندازه
تغافل واضح است. اما بیشیم خود
کارفرمایان در رابطه با پشتیبانی
خود از دولت چه می‌نویسند؟ قوه
 مجریه اختیارات را کسب می‌کند
که در هیچ دولت دمکراتیکی
نابل تصور نیستند. صاحب منصبان
استخراج فقط در راستای منافع
خودشان فعالیت می‌کنند.
کائناتی می‌برای توسعه دمکراتیک

مسکو از پناه ادن به مونکر کده ها سال از عمر خود را صرف مبارزه برای دوستی و ملت آلمان رو سینه کرده بود، سپاه رزد او را به مقامات آلمانی حويل داد. روزنامه پراوادا در یتیماره چنین اظهار نظر کرده است: «شاید بتوان گفت: از جایی تاریخ است، اما نه! او تربیتی خیانت، دسیسه، و رفتار غیر اخلاقی رفاقتی ساقی خود شد. ما این نتگ لکه سیاهی بر دامن مقامات سیاسی رو سینه و ته مردم باست. هارا بیخش اریش مونکر، مسئولین کشور مادر برابر تاریخ روسیه خواهند شد؟! پس از تکه دولت شیلی اعلام کرد مونکر بیگر مهام سفارت این کشور در مسکو نیست، مأموران امنیتی روس وارد ساختمان سفارت شدند راگر خود هونکر به سمت اتوبیل سفیر شیلی نمی رفت، اورابه زور میبردند. هونکر در حالیکه به شاهنه هرم خود برای مبارزه، با مشت گره کرده و بلخندی در چهره اش، از ساختمان سفارت پیرون می‌آمد، بر صفحه تلویزیون ظاهر شد، و آنگاه اتوبیل سفارت، او را با سرعتی سوار شد. همچنان می‌گاه

سرمایه‌داری انتقام‌جو

دامنه از صفحه ۱۲
سازنگاهی که نیم قرن پیش
با شیوه های اور در آنجا به بند
کشیدند.
هر چند نظام سیاسی فعلی
البایان با خاشیسم قابل قیاس نیست،
اما انگیزه حاکمان فعلی در
نقام جویی از یک کمونیست، از
همه مان ریشه ای روئیده است که بر
ددمنشی ناشیسم مجال داد صدها
هزار کمونیست را بکشند و
میلیون ها نفر از کمونیست هارا به
بند کشند. سرمایه داری، با اینکه
در جنگ سرد پیروز شده و
کمونیسم را شکست داده است،
هنوز کینه تاریخی خود را
تراموش نکرده است.
سرمایه داری در این مورد کاملاً
"ایدیولوژیک" عمل می کند.
در طول ماه های گذشته،
حتمایت و همیستگی نیروهای چپ
شیلی با هوکر، مانع از آن شد که
دولت دمکرات مسحی شیلی،

هو تکر را از سفارتخانه خود در
بیرون کند. هزاران
تبعدی شیلیایی که در زمان
حکومت پیشنهاد چنایتکار در
الامان دمگرانیک پناهندۀ بودند،
نه یاد دارند که دولت هو تکر با
فتوش باز آنها اپذیراشد و از خطر
هرگ رهانید. از جمله الگیدار میر
پیشین حزب سوسیالیست شیلی
که سال‌ها در الامان شرقي به سر
رده بود، در مقام سفیر شیلی در
شوری و سپس روسیه، هو تکر را
پس از آنکه موضع خصمۀ دولت
بلتسین علیه رهبر سابق الامان
شرقي آشکار شد، به سفارت شیلی
بعووت کرد. تا هنگامی که الگیدا
سفیر شیلی در روسیه بود، در
را بر خواست آیلوین رئیس
جمهور شیلی مبنی بر پایان دادن
نه اقامت هو تکر در سفارت،
مقاآمت می‌کرد.
در این میان، دولت روسیه و
شخص باریس یلتسبین نقش
تنگینی ایفا کردند.

جنگلش های اجتماعی و سیاست نادرها پیر بازد؟ یعنی در و باید به تدوین و تحقق رنامه فعالیت رهبری روپیر بازد. چه کسی؟ دبیر دولت بینید چه کسی از اختیار سوق العاده ای که ما به رجمهوریان میدهیم، است یکند.

من نکر می
بدون شک در این شرایط لطفاً
اختیار فوق العاده و ای
مکابیزم قانونی تشکیل
 مجریه ضرورت دارد و اولین
در این راه لفو اختیار
 فوق العاده رئیس جمهور است
 من پیشنهاد می کنم تضم
 تخطاذ شود که به موجب آن ر
 جمهور رو سیه نتواند در عین
 رئیس دولت فدراسیون رو
 هم باشد. سپس به رئیس جمهور
 برصرت ۵ روزه ای داده
 تا کاندیداتی را برای
 خست وزیری به ششمین ک
 ممایندگان (برای تصویب) م
 تند بعد، شورای عالی فدراسی
 و سیه موظف گردد که تر
 دولت را تعین کند. گزینه
 تعقیمات و فعالیت ارگان
 ندرت دولتی و اداره امور
 نهادها در چارچوب قانون اساسی
 نتوانیں فدراسیون رو سیه
 شمرده شود.
 نمایندگان هزین!
 اگر کنگره وظیفه اصلی
 یعنی تشکیل قوه مجریه کش
 کنترل آن را انجام ندهد، بعضی
 برنامه های سیاسی و اقتصادی
 روی کاشد باقی خواهد ماند.

پیپاس از کار ارزشمندشان، در روزیر برگردان خلاصه شده یکی از این مقالات را که او نیل آوریل مسال در نشریه "سویتیکای اسیا" چاپ شده است

د ملغی شوند
که کشور پس از سه ماه
چار فاجعه کامل شود.
عدد زیادی استدلال می‌کنند
که نباید دولت را تغییر داد، چون
بنکار باعث بی ثباتی وضع کشور
می‌شود. در حالکه من معتقدم که
هموال دولت ما یکی از عوامل
بی ثباتی در کشور است.
نه نظر من، رئیس جمهور ما
در عین حال رئیس دولت،
زیر دفاع و دارای اختیارات
سوق العاده است و اختیارات باز هم
یشتري را همیطلبد و حتی پیشنهاد
می‌کند به ریاست جمهوری
اختیارات مطلق اعطای شود، در
عمل قادر به کنترل وضع نیست.
من به عنوان نمودنگار این فرمان
رئیس جمهور روسیه را برای شما
را رأیت می‌کنم، ماده ۲: «به
زربولیس دیر دولتی فدراسیون
و سیه ماموریت داده می‌شود که
مسطله تدوین و تحقیق بعد
سیاستی اصلاحات، سیاست داخلی
خارجی فدراسیون روسیه،
جاد انتظام با احزاب سیاسی،

جامعه کشورهای مستقل منعکس است. با آنکه تاریخ این مقالات همدا تو اول بخار امسال است و در نتیجه تا حدودی تازگی خود را از دست داده اند، اما برای آشنایی با آنچه که در این کشور پر تلاطم میگذرد معید و در خور توجه است. با تقدیر از حمان پروانه و اخیراً همکار گرامی نشریه کار شانم پروانه از دور تمنون دست به رچمه یک رشته مقالات زنشریات روسی زبان زده است نه در آن موضع و دیدگاه های حرب سیاسی و گرایش های تکری - سیاستی مختلف فعال در حمنه سیاسی جمهوری روسیه و

اختیارات فوق العاده رئیس جمهور باید ملغی شوند

سخنرانی "و، و، آکسیوچیتس" از فراکسیون "اتحاد رو سیه" دارالملاء روسیه

منابع طبیعی کشور فارس
می شوند. دولت به انواع طرق
کار فرمایان وطنی را سرکوب
می کند و کسر بودجه ابعاد نجومی
(به اصطلاح بودجه بدون کسری)
می یابد، و همه این اعمال در این
کشور در راستای تبدیل آن
به زانده مواد خام کشورهای
صنعتی صورت میگیرند. در آن
صورت ما می گفتم که اصلاحات
در کشور مذکور به ترتیبه زیر سیده
باشکست روپرورد شده است.
درواقع از سخنواری رئیس
جمهور و رئیس دولت و از
سخنرانیهای بسیاری از نایاندگان
اشکار است که دولت بر نامه‌ای
برای اصلاحات ندارد، و اصلاحاتی
هم به آن شکل وجود ندارد. البته
می‌شود به این دولت امکان داد که
یک بار دیگر هم امتحان کند. اما
من مطمئنم که این کار باقث

درواقع از سخنراتی رئیس جمهور و رئیس دولت و از سخنرانیهای بسیاری از نهایندگان آشکار است که دولت بر نامه‌ای برای اصلاحات ندارد. و اصلاحاتی هم به آن شکل وجود ندارد. البته مشیشوده‌این دولت امکان داد که یک باز دیگر هم امتحان کند. اما من مطمئنم که این کار باقث

الْمِنَاعُ :

ادامه از صفحه ۱۴
 گرفت، قضایا را روش تر کند:
 شکمۀ تلویزیونی سی.ان.ان. که
 مرکز آن در آتلانتاست،
 فعال ترین عضو باشگاه حامیان
 آتلانتا بود و میلیون‌ها دلار برای
 تأثیر گذاشتن بر تصمیم کمیته
 بین المللی المپیک هزینه کرد.
 علاوه بر این شکمۀ تلویزیونی،
 ده‌ها کمپانی دیگر آمریکایی که
 مخارج روزانه تبلیغاتی شان سر
 به میلیون‌ها دلار هی زند، به نفع
 آتلانتا وارد میدان شده بودند. در
 چنین شرایطی، از بین بردن این
 گمان که در رقابت میان آتن و
 آتلانتا، دلار تعیین کننده بوده
 است و نه آرمان‌های المپیک،
 سیاست‌هاست.

الپیک، دورشدن هر چه بیشتر از آرمان های او لیه را تا حد زیادی مذیون خوان آنتونیو سامارانش، رئیس کمیته بین المللی الپیک است؛ رئیس اسپانیا کمیته، که در زمان حیات فرانکو دیکتاتور اسپانیا از نزدیک ترین دوستان او بود، بیش از همه اسلاف خود در تجاری شدن الپیک نقش داشته است. به ابتکار سامارانش، ماده شماره ۲۶ منتشر الپیک که مانع شرکت ورزشکاران جرفه ای بود، تغییر یافت. سامارانش، کمیته بین المللی الپیک را به یک شرکت سودآور تبدیل کرده است که طبق قوانین شوداگرانه سرمایه داری تعاملات می کند. این کمیته با بت موارد مختلف، از کشورهای برگزارکننده و شرکت هایی که میخواهند از الپیک برای بازاریابی بهره برند، مبالغ هنگفت می تیرد، رفتاب مسئولان کمیته، در برخی موارد حتی حالت باج خواهی به خود می گیرد، مسخ الپیک، تنها به کمیته

مبارزه انتخاباتی بوش در بغداد

که یک ناو ارتش ایالات متحده آمریکا به سوی خلیج فارس بحر کوت در آمد و «جان اذ کندی»، ناوی دیگر، به سوی آبهای دریای مدیترانه در حرکت است. حوال و حوش اواخر ژوئیه و اوایل آوت نزدیک هانو، مشترک دریایی تو سطح قوای نظامی ایالات متحده و کویت صورت خواهد گرفت. سرانجام هیئت بازرسان سازمان ملل بد بغداد رفت و در وزارت خانه کشاورزی عراق به جستجوی آرشیو موشک های بالستیک هراز پرداخت. ولی میچ سندی در این رابطه به دست بازرسان بین المللی نیافتاد.

این ها همه روی صحنه است. اما در پس پرده طراحان از طرح ریزی این نمایش مقصدی دیگر را پیش می جویند. از یک سو صدام حسین، رئیس جمهور عراق، که میمنبت اوضاع پیرانی عراق و تلاش غرب در راستای حفظ تعادل در منطقه، در پیامد جنگ خلیج فارس قادر به ادامه حکومت شد، اینک در صدد آن است که به قدرت خود

تلاش نماید.

تلاش

بر علیه بازرسان ملل در بغداد

در

کشور ثبات بیشتری بخشد و باز

بر

نش

و

نفوذ

کو

ن

د

ر

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د

ن

د